

۳ افق • چراغ سبز اروپا به ایران • اعلام آمادگی برای رفع تحریم‌ها

۴ کافه • پشتوانه و تجربه مصدق • نشست کتاب مصدق بدون نفت

۶ توسعه • سقوط دلار • قیمت ارز کاهش یافت

۷ کوچه • دست‌درازی آقای استاندار! • تصرف خانه ظل‌السلطان توسط استانداری اصفهان

## مردی با صدای بم

بهرروز رضوی، گوینده، شاعر و بازیگر درگذشت



یادداشت روز

## تفاهمی برای پایان منازعه

در باره اهمیت یک تصمیم و شنیدن صدای اکثریت



فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

اعلام پایان جنگ و انتشار خبر نهایی شدن تفاهم میان ایران و آمریکا، که قرار است به‌زودی به امضای طرفین برسد، بار دیگر توجه افکار عمومی را به این پرسش اساسی جلب کرده که آیا این توافق می‌تواند، آغازگر فصل تازه‌ای در روابط دو کشور باشد یا صرفاً وقفه‌ای موقت در روند یک منازعه دیرینه و پیچیده به‌شمار می‌رود؟ واقعیت آن است که برخلاف بسیاری از تصورات رایج، تهران و واشنگتن با یک اختلاف حل‌ناشدنی و ذاتی مواجه نیستند. تجربه دهه‌های گذشته، نشان داده که هر زمان اراده سیاسی برای گفت‌وگو و کاهش تنش وجود داشته، امکان رسیدن به تفاهم نیز فراهم شده است. آنچه بیش از هر عامل دیگری بر روابط دو کشور سایه انداخته، مجموعه‌ای از نگرانی‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی است که در مرکز آن مسئله اسرائیل قرار دارد. تداوم ادبیات تهدیدآمیز و نگاه امنیتی متقابل، فضای را ایجاد کرده که در آن هر اقدام یک طرف، تهدیدی علیه موجودیت طرف دیگر تلقی می‌شود و نتیجه چنین چرخه‌ای چیزی جز استمرار بحران و ناامنی نیست. اما فارغ از مباحث سیاسی و امنیتی، واکنش جامعه ایران به خبر تفاهم اخیر حامل پیامی روشن است. کاهش ناگهانی نرخ ارز پس از انتشار اخبار توافق صرفاً یک واکنش اقتصادی نبود؛ بازتاب امیدی بود که سال‌ها در انتظار روزنه‌ای برای کاهش تنش‌ها و خروج از بن‌بست تحریم‌ها باقی مانده بود. این امید را می‌توان در رفتار سیاسی مردم نیز مشاهده کرد. شهروندانی که در انتخابات به نامزدی رأی دادند که مهم‌ترین شعارش تلاش برای رفع تحریم‌ها، کاهش تنش‌های خارجی و بازگرداندن کشور به مسیر تعامل با جهان بود، در واقع خواسته‌های مشخص را بیان کردند؛ خواسته‌ای که با صدای بلندترین گروه‌ها سنجیده نمی‌شود بلکه در اراده اکثریتی نهفته است که خواهان زندگی عادی، ثبات اقتصادی و آینده‌ای قابل پیش‌بینی هستند. در این میان نکته قابل توجه رفتار جریان‌هایی است که هر بار با نزدیک شدن به توافق و کاهش تنش به مخالفت برمی‌خیزند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که بلند بودن صدا لزوماً به معنای نمایندگی افکار عمومی نیست. کسانی که امروز علیه تفاهم فریاد می‌زنند، همان‌هایی هستند که در سال‌های گذشته نیز نسخه تداوم تنش، تقابل و سیاست‌های پرهزینه را تجویز می‌کردند؛ سیاست‌هایی که نتیجه آن کاهش سرمایه‌گذاری، گسترش بیکاری، فرار سرمایه و از دست رفتن فرصت‌های توسعه بوده است. تجربه کشورهای دیگر نیز درس‌های مهمی در این زمینه دارد. چین پس از سال‌ها درگیری با سیاست‌های افراطی و ایدئولوژیک، سرانجام دریافت که توسعه اقتصادی و رفاه عمومی بدون تعامل با جهان ممکن نیست. سیاست «درهای باز» که در دهه‌های پایانی قرن بیستم توسط دنگ شیائوپینگ به اجرا درآمد نه تنها اقتصاد چین را متحول کرد بلکه جایگاه این کشور را در نظام بین‌الملل نیز ارتقا داد. البته هیچ تجربه‌ای را نمی‌توان عیناً به کشوری دیگر تعمیم داد اما اصل ماجرا بدیهی است: توسعه زمانی محقق می‌شود که منافع ملی بر هیجانات سیاسی و شعارهای پرهزینه غلبه کند. امروز نیز ایران در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است. کشوری با ظرفیت‌های عظیم انرژی، موقعیت ممتاز ترانزیتی، نیروی انسانی توانمند و امکانات گسترده اقتصادی بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به مدار تعامل و همکاری بین‌المللی است. مردم ایران حق دارند، امیدوار باشند که با کاهش تنش‌ها، سرمایه‌گذاری افزایش یابد، فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد شود، تجارت رونق بگیرد و کشور از مزیت‌های طبیعی و ژئوپلیتیکی خود بهره‌مند شود. تفاهم احتمالی میان ایران و آمریکا اگرچه به تنهایی همه مشکلات را حل نخواهد کرد اما می‌تواند، نخستین گام در مسیری باشد که سال‌ها به تعویق افتاده است. شرط موفقیت این مسیر نیز آن است که تصمیم‌گیران کشور صدای اکثریت جامعه را بشنوند؛ اکثریتی که خواهان آرامش، توسعه و زندگی بهتر است و انتظار دارد، منافع ملی بر هرگونه افراط‌گرایی و ماجراجویی سیاسی ترجیح داده شود.



# گام بلند توافق

به دنبال نهایی شدن تفاهم میان ایران و آمریکا، شورای عالی امنیت ملی با انتشار بیانیه‌ای خبر داد: از روز جمعه، جنگ در تمامی جبهه‌ها پایان می‌یابد  
چهره‌های سیاسی و ملی از این اتفاق استقبال کردند و به ملت ایران و تصمیم‌گیران تبریک گفتند  
برخی مخالفان توافق نیز هشدار دادند که  
رئیس جمهور، رئیس مجلس و وزیر امور خارجه را بازخواست خواهند کرد



سیدحسین خمینی



سیدحسین مرعشی



محمدجواد ظریف



سیدمحمد خاتمی

دخیل در این مسیر، تصریح کرد: «در شورای عالی امنیت ملی، پس از بررسی‌ها و بحث‌های مختلف بیش از ۹۰ درصد اعضا با این روند همراهی کرده و رأی مثبت داده‌اند هرچند اختلاف‌نظرهای محدودی نیز وجود داشته که وارد جزئیات آن نمی‌شوم». به این ترتیب اظهارات پزشک‌های در کنار واکنش‌های متعدد سیاسی، چارچوب اولیه روایت رسمی از پایان جنگ و آغاز مسیر توافق را شکل داد.

ادامه در صفحه ۲

و ارتباطات مختلف در این زمینه است و اگر همه مفاد آن به‌درستی عملیاتی شود، می‌تواند به‌عنوان سندی افتخارآمیز برای کشور تلقی شود». تفاهمی که به باور او نه تنها در سطح داخلی بلکه در معادلات منطقه‌ای و برای نیروهای مقاومت نیز می‌تواند، واجد اهمیت و اثرگذاری باشد. رئیس جمهور همچنین با قدردانی از نقش‌آفرینان این روند؛ اعضای تیم مذاکره‌کننده از جمله محمدباقر قالیباف و سیدعباس عراقچی همچنین شورای عالی امنیت ملی و سایر نهادها

هرچند در کنار آن بر ضرورت حفظ وحدت و پرهیز از اختلاف‌افکنی نیز هشدار داده می‌شود. در همین چارچوب، رئیس جمهور روز گذشته در واکنش به امضای این تفاهم‌نامه و در حاشیه همایش سراسری «حکمرانی هم‌افزا» در وزارت کشور، اعلام کرد که جمع‌بندی این روند با هماهنگی کامل در ساختار حاکمیتی انجام شده و قرار است روز جمعه به‌طور رسمی اعلام شود. مسعود پزشکیان گفت: «این تفاهم‌نامه حاصل ماه‌ها گفت‌وگو، پیگیری‌های مستمر



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در پی نهایی شدن روند تفاهم پایان جنگ میان ایران و آمریکا، فضای سیاسی کشور با موجی از واکنش‌ها روبه‌رو شده که عمدتاً بر نقش رهبری هوشمندانه، اقتدار میدانی، انسجام داخلی و مدیریت شرایط بحرانی در شکل‌گیری این توافق تأکید دارند،



سال نهم شماره ۲۲۵۶  
سه‌شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۵

**دیدگاه: یادداشت سیاسی**

## کارشکنان صلح

**بی‌هزینه در جنگ، پرصدا علیه توافق**



روزین حسینی

دانش‌آموخته جامعه‌شناسی

در روزگاری که جنگ هنوز سوی دود می‌دهد، فجع‌ترین کار این است که دیپلماسی را خائن بخوانیم و عقلانی‌ترین کار این است که بدانیم، صلح و پیروزی همیشه از لوله تفنگ بیرون نمی‌آید؛ گاهی از دهان خسته مذاکره بیرون می‌خزد. همین جاست که تناقضات عده‌ای آشکار می‌شود. کسانی که سال‌ها شعارهای رادیکال دادند، امروز گاه چنان از گفت‌وگو می‌رنجد که گویی هر سسند دیپلماتیک، نه برای پایان دادن به مرگ، که برای توهین کردن به خاطره مرگ نوشته شده است. اما آیا واقعاً دیپلماسی در میدان سیاست، رقیب خون است؟ در ادبیات علوم سیاسی، به‌ویژه در سنت‌های مربوط به دو سطحی بودن سیاست خارجی، دولت‌ها هم‌زمان باید هم از بیرون با دشمن مذاکره کنند و هم از درون با افکار عمومی و نیروهای ایدئولوژیک چانه بزنند؛ یعنی خیابان و میز مذاکره هرگز کاملاً از هم جدا نیستند اما یکی هم جانشین دیگری نمی‌شود. رابرت پاتام این وضعیت را «بازی دوسطحی» نامید. هر امتیاز خارجی باید در داخل نیز قابل فروش باشد و هر شعار داخلی در جهان واقعی هزینه دارد. پس وقتی خیابان به‌جای پرسش از نتیجه جنگ به دیپلماسی حمله می‌کند، در حقیقت دارد از دولت می‌خواهد هم‌زمان بجنگد، بایستد و در عین حال صلح هم ببرد؛ خواسته‌ای که در سیاست بین‌الملل اغلب به شکست ختم می‌شود. مشکل فقط سیاسی نیست؛ اخلاقی هم هست. در حافظه جمعی، «مرگ‌طلبی» می‌تواند به زبان پاکیزه رنج بدل شود اما همان قدر می‌تواند، ابزار حذف عقلانیت نیز باشد. جامعه‌شناسان خشونت‌نشان داده‌اند که وقتی مرگ از یک واقعیت تراژیک به یک سرمایه نمادین تبدیل می‌شود، سیاست به میدان مسابقه وفاداری بدل می‌گردد. چه کسی بیش‌تر عصبانی است، چه کسی بلندتر مرگ می‌خواهد و چه کسی کمتر می‌بخشد. در چنین فضایی، دیپلمات نه به‌عنوان کششگر ملی بلکه به‌عنوان قربانی مشروع خشم دیده می‌شود؛ و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که عقل سیاسی از پا می‌افتد. از این‌رو سوال اصلی دیگر این نیست که «چرا مذاکره می‌کنید؟» سوال این است که چرا به مذاکره نفرت می‌ورزید، درحالی که جایگزینش معمولاً چیزی جز تداوم خسارت نیست؟ در تاریخ معاصر، دولت‌هایی که پس از جنگ یا بحران به توافق رسیده‌اند اغلب نه از سر خوش‌بینی بلکه از سر فهم محدودیت قدرت چنین کرده‌اند. توافق، اقراری واقعی است به اینکه طرفین نمی‌توانند همه چیز را با زور بگیرند. از این منظر، دیپلماسی نه تسلیم است و نه خیانت؛ نوعی مدیریت منطقی واقعیت است.

این پارادوکس تلخ‌تر می‌شود. به باور برخی گویی مصالحه، تحقیر خویش‌تن است و هر نشانه‌ای از آن، بوی سازش‌ ننگین می‌دهد! درحالی که اساساً مراد از توافقات چنین نبوده و نیست. در علوم انسانی این‌را می‌توان در چارچوب «سیاست رنج» فهمید. وقتی هویت سیاسی بر زخم بنا می‌شود، درمان زخم تهدید تلقی می‌شود چون با درمان نقش قهرمان رنج کشیده نیز کم‌رنگ می‌شود. به همین دلیل است که صلح برای برخی، خوش‌خبر نیست؛ چون صلح بازار حماسی‌شان را کساد می‌کند! اما پرسش سخت‌تر هنوز باقی است. اگر «میدان» برای جنگ است و «دیپلماسی» برای کاهش هزینه جنگ چرا این دو را روی‌روی هم قرار می‌دهیم؟ اگر قرار باشد مذاکره، فرصتی برای تنفس ملت باشد چرا باید خیابان را علیه آن تحریک کرد؟ اینجا مسئله فقط اختلاف‌نظر نیست؛ نوعی جابه‌جایی نقش‌هاست. وقتی عده‌ای تدر و همه چیز را به زبان انتقام ترجمه می‌کنند، ملت را از سوژه زندگی به سیاهی‌لشکر مرگ تبدیل می‌کنند. شاید مهم‌ترین پرسش همین باشد که از «جان» مردم چه می‌خواهند؟ در سیاست پس از جنگ هر توافقی – اگر رخ دهد– پیش از آنکه سندی حقوقی باشد، آزمونی اخلاقی است. آیا هنوز می‌توان میان خشم قابل فهم و نفرت زیان‌بار تفاوت گذاشت؟ آیا می‌توان پذیرفت که دیپلماسی، گاهی تنها و خردمندانه‌ترین راه بازگرداندن «جان» به متن سیاست است و نه حذف آن از صحنه؟

# میهن

**ادامه تیتریک**

# گام بلند توافق

پس از نهایی شدن توافق، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران پس از ماه‌ها مذاکرات فشرده و بر اساس مصوبه این شورا، متن یادداشت تفاهم پایان جنگ با آمریکا را نهایی کرده است. در این بیانیه تأکید شد که این روند با هدایت رهبری، حمایت مردم و تلاش نیروهای مسلح به نتیجه رسیده است. بر اساس این بیانیه، جنگ و عملیات نظامی در همه جبهه‌ها از جمله لبنان به‌صورت فوری و دائمی متوقف شده و محاصره دریایی علیه ایران نیز به‌طور کامل پایان یافت. همچنین امضای رسمی یادداشت تفاهم روز جمعه ۲۹ خرداد انجام خواهد شد و مذاکرات برای توافق نهایی پس از اجرای تعهدات طرف مقابل ادامه می‌یابد.

**گام بلند و شجاعانه**

اما در اولین واکنش‌ها، سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات با انتشار بیانیه‌ای از امضای تفاهم میان ایران و آمریکا استقبال و آن را «گامی بلند و شجاعانه» توصیف کرد. خاتمی نوشت: «گرچه تا برقراری توافق و صلح پایدار پس از جنگی ویرانگر و فرام‌آمدن زمین‌های مناسب برای عبور از تنگناها و بحران‌های کشور، حل مسائل معیشتی و تأمین رفاه مردم، بازسازی و توسعه همه جانبه میهن عزیز، برخورداری ملت شریف از حقوق اساسی و مسلم خود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تمدنی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی ایران سربلند در جهت بازیافتن جایگاه ممتاز آن در منطقه و جهان، راه درازی پیش رو است اما باید از گام بلند و شجاعانه‌ای که برای امضای تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا برداشته شد به‌جد خوشنود بود». رئیس دولت اصلاحات در متن خود ضمن اشاره به هزینه‌های سنگین جنگ اخیر، تأکید کرد: «اکنون مقاومت شگفت‌انگیز و تاب‌آوری ملت، هوشیاری، قدرت و دستاوردهای افتخارآفرین مدافعان و رزمندگان میهن، تدبیر و تلاش بی‌وقفه مسئولان و دولت، تقدیر جدیدی را برای کشور رقم زد؛ همه نهادهای ذی‌ربط، قشرها و گروه‌ها در عین تنوع و کثرت آراء و حتی نقد و اختلاف‌نظرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و قومی بر یک نظر متفق شدند که باید سایه جنگ و تحریم و تجاوز را از این سرزمین دور کرد. به روق اقتصاد و تأمین زندگی و رضایت همه مردم و توسعه همه‌جانبه ایران اندیشید و برای این مهم، مذاکره و دیپلماسی را وچه دیگر میدان و مقاومت دانست. در مواجهه با همه تهدیدها و فرصت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، قدرت دفاعی و قدرت دیپلماسی دو وجه جدایی‌ناپذیرند». رئیس دولت اصلاحات ضمن اشاره به تحولات و فشارهای ماه‌های اخیر، تأکید کرد: «آنچه در این ماه‌ها و روزهای سخت بر ما گذشت بر جهانیان ثابت کرد که اولاً ایران پایدار و ماندگار است ثانیاً ایران و ملت بزرگ ما هرچند از هستی، استقلال و عظمت خود جانانه دفاع می‌کند اما خواستار برقراری صلح و ثبات پایدار در منطقه و برخورداری همه کشورها به‌خصوص همسایگان عزیز از صلح و امنیت و توسعه است». خاتمی در ادامه با قدردانی از نقش‌آفرینان این روند، افزود: «در پیشبرد این امر باید از رهبری محترم نظام، رئیس‌جمهور و دولت عزیز، شورای عالی امنیت ملی، هیأت‌مذاکره‌کننده، نظامیان قهرمان، نخبانان و همه کسانی که از بی‌سرون و درون ایران پایبندی خود را به عزت و استقلال میهن نشان دادند و زمینه تفاهم ابتدایی را فراهم آوردند، سپاسگزار ی‌کرد». رئیس دولت اصلاحات همچنین به ضرورت همگرایی داخلی برای پیشبرد مسیر دیپلماسی اشاره کرد: «اینک زمان حمایت و همراهی یکپارچه مردم اعم از حامیان و منتقدان نظام از مذاکره و مذاکره‌کنندگان و گام برداشتن در جهت توافق و صلح پایدار و زندگی دور از هراس و جنگ است. مسئولان کشور نیز در همه رده‌ها باید قدر این ملت بزرگ را عمل‌بدانند و زمینه‌های لازم را برای جلب رضایت عموم مردم و برخورداری عادلانه همگان از مزایای زندگی به‌خصوص مبارزه بنیادی

### سیاست

# آزادی به‌معنای تخریب نیست

**محمد هاشمی: آزادی بیان باید در جهت وحدت ملی باشد، نه اهداف دشمن**

**گروه سیاسی:** هم‌زمان با داغ شدن بحث‌ها پیرامون توافق نهایی ایران و آمریکا و طرح دیدگاه‌های موافق و مخالف درباره آن، حفظ انسجام ملی و جلوگیری از تشدید دوقطبی‌های سیاسی به یکی از مهم‌ترین نیازهای کشور تبدیل شده است. در چنین فضایی، رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی نیز بیش از هر زمان دیگری مسئولیت دارند در مسیر تقویت همستگی اجتماعی و تأمین منافع ملی حرکت کنند. در همین راستا محمد هاشمی، رئیس هیأت مؤسس حزب کارگزاران سازندگی ایران و عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اهمیت وحدت ملی، هشدار می‌دهد که رسانه‌ها نباید به عملی برای تضعیف انسجام اجتماعی تبدیل شوند. به اعتقاد او، آزادی بیان زمانی معنا و کارکرد مثبت پیدا می‌کند که در خدمت وحدت ملی و مقابله با تهدیدهای خارجی باشد نه آنکه به ابزاری برای پیشبرد اهداف دشمن تبدیل شود.

هاشمی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به شرایطی که کشور با آن مواجه است، می‌گوید: «وقتی ایران در وضعیت مواجهه با دشمن قرار دارد، وحدت ملی، انسجام، همدلی و همراهی مهم‌ترین عامل پیروزی و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن است». به گفته

**بررسی رویدادهای سیاسی**

تحمل سختی‌های طبیعی ناشی از جنگ، نقش بسیار مهمی ایفا کردند و شایسته تقدیر هستند». دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی با تأکید بر ضرورت همگرایی سیاسی پس از این تحول، گفت: «اکنون زمان آن رسیده است که همه مسئولان کشور و جریان‌های سیاسی حتی جریان‌هایی که منتقد مذاکرات بودند و هستند به قافله بزرگ و باشکوه ملت ایران بپیوندند و از این توافق استقبال کنند. همه باید این موفقیت را به یکدیگر تبریک بگویند و زمینه را برای همکاری‌های گسترده‌تر در عرصه سیاست داخلی فراهم کنند». مرعشی در پایان با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از فرصت ایجاد شده پس از این تفاهم، گفت: «باید آماده شویم تا ایران را بهتر اداره کنیم و در مسیر شکوفایی اقتصادی قرار دهیم، خسارت‌های ناشی از جنگ را جبران کنیم و مشکلات مردم را کاهش دهیم».علی اکبر صالحی، وزیر اسبق امور خارجه کشور و رئیس بنیاد ایران‌شناسی نیز در یادداشتی، توافق اخیر را «جلوه‌ای از اراده ملی و همبستگی کهنظیر» توصیف و تأکید کرد: «بی‌تردید این دستاورد بزرگ و پربرکت پیش از هر چیز موهن رهبری حکیمانه، شجاعانه و مدبرانه مقام معظم رهبری و نیز حاصل همدلی، اتحاد، انسجام و همراهی مردم، نیروهای مسلح، دولت و تمامی ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ سرمایه‌ای گرانبسنگ که باید بیش از پیش پاس داشته شود. از همین رو ضروری است همگان با هوشیاری و درایت از هرگونه اختلاف و تفرقه پرهیز کنند؛ چراکه رمز ماندگاری پیروزی‌ها و استمرار اقتدار ملی، حفظ وحدت و انسجام درونی است». محمدرضا عارف، معان اول رئیس‌جمهور نیز در جلسه ستاد بازسازی با تأکید بر اینکه پیروزی ایران در جنگ اخیر حاصل رهبری هوشمندانه، دقیق و مدبرانه آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای و ایستادگی ملت ایران در جبهه‌های میدان، خدمت، خیابان و دیپلماسی است از تلاش‌های تیم مذاکره‌کننده کشور قدردانی کرد و با تشکر ویژه از عملکرد محمداقرف قالیباف، رئیس تیم مذاکره‌کننده، ابراز امیدواری کرد که تفاهمات حاصل‌شده به رفع تحریم‌های ظالمانه و دست‌یابی به توافقی پایدار منجر شود. او همچنین با اشناره به نهایی شدن یادداشت تفاهم ایران و آمریکا و امضای آن در روز جمعه پیش‌رو، ابراز امیدواری کرد که «این یادداشت تفاهم به موافقت‌نامه خوبی تبدیل و تحریم‌های ظالمانه و محاصره‌ها که سسند زشتی برای غرب است، برطرف شود». محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، تأکید کرد که توافق، حاصل دیپلماسی مبتنی بر تدبیر حاکمیت و پشتوانه مردمی است و همه منافع ملی را تأمین می‌کند.

**از حمایت تا هشدار**

در میان نمایندگان نیز طیفی از حمایت و هشدار دیده می‌شود. برخی اعضای کمیسیون امنیت ملی تأکید کردند که توافق نتیجه مقاومت میدانی و دیپلماسی فعال است و باید از تیم مذاکره‌کننده حمایت شود. داحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی گفت، مذاکره ادامه میدان جنگ است و تضعیف تیم مذاکره‌کننده به انسجام ملی آسیب می‌زند. او تأکید کرد که آمریکا پس از ناکامی‌های نظامی، ناچار به پذیرش واقعیت‌های جدید شده است. اسماعیل کوثری نیز تأکید کرد که آمریکا در هر دو جبهه نظامی و اقتصادی شکست خورده و توافق نتیجه این واقعیت است اما نسبت به بی‌اعتمادی به طرف مقابل هشدار داد. احمد یخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی هم توافق را «ذاتاً پیروزی ایران» دانست و گفت، تغییر رویکرد آمریکا از «رژیم‌چنج» به مذاکره یک دستاورد راهبردی است هرچند بر ضرورت حاکمیت عقلانیت پس از توافق تأکید کرد. چند نماینده دیگر از جمله محمداصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و عثمان سالاری، نایب‌رئیس کمیسیون قضایی بر ضرورت برخورد با جریان‌های وحدت‌شکن تأکید کردند. آنان هشدار دادند هرگونه اقدام تفرقه‌افکنانه در شرایط پساتوافق می‌تواند در راستای اهداف دشمن تلقی شود و باید با آن برخورد قانونی صورت گیرد. این در حالی است که برخی مخالفان توافق در مقابل این اتفاق سکوت پیشه کرده و حتی هشدار داده‌اند که رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و وزیر امورخارجه را بازخواست خواهند کرد. با این حال مجموع واکنش‌ها نشان می‌دهد، توافق اخیر ایران و آمریکا به یک نقطه اجماع نسبی در ساختار سیاسی ایران تبدیل شده است. در حالی که چهره‌هایی مانند خاتمی و ظرف بر ضرورت فرصت‌سازی دیپلماتیک و عبور از بحران تأکید دارند، مقامات اجرایی و نظامی آن را نتیجه مهم افزایی میدان و دیپلماسی می‌دانند که باید با حفظ انسجام ملی از آن حمایت کرد.

به تفرقه منجر نشود». او در ادامه با یادآوری یکی از شعارهای محوری سال‌های نخست انقلاب می‌گوید: «امام خمینی همواره بر شعار «همه با هم» تأکید داشتند و ما در دوران انقلاب، ثمره این وحدت را مشاهده کردیم» و اضافه می‌کند: «تا زمانی که همه با هم باشیم هیچ دشمنی قادر به شکست ما نخواهد بود اما اگر تفرقه ایجاد شود، در واقع در زمین دشمن بازی کرده‌ایم و فرصت سوء استفاده را در اختیار او قرار داده‌ایم». عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش دیگری از سخنان خود به نقش دستگاه قضایی اشاره کرده و می‌گوید: «رئیس قوه قضائیه و دادستان‌ها بارها اعلام کرده‌اند که هر رفتار یا سخنی که موجب زیان کشور شود و دشمن بتواند از آن بهره‌برداری کند جرم محسوب می‌شود و با آن برخورد خواهد شد. به‌ویژه در شرایط جنگی این مسئله با حساسیت بیشتری دنبال می‌شود و قوه قضائیه در راستای حفظ وحدت ملی عمل می‌کند».

هاشمی همچنین نقش رسانه‌ها را در شرایط بحرانی بسیار مهم دانسته و می‌گوید: «رسانه‌ها پل ارتباطی میان مردم و نظام هستند و می‌توانند با انتشار اخبار و تحلیل‌های مناسب به تقویت وحدت ملی کمک کنند». او در پایان با اشاره به مفهوم آزادی بیان تصریح می‌کند: «برخی افسراد اقدامات خود را با استناد به آزادی بیان توجیه می‌کنند، درحالی که آزادی به‌معنای تخریب نیست. آزادی باید در جهت وحدت ملی، انسجام و مقابله با دشمن به‌کار گرفته شود نه در مسیری که اهداف دشمن را تأمین کند».





# چراغ سبز اروپا به ایران

انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا  
برای رفع تحریم‌های ایران اعلام آمادگی کردند

**گروه بین‌الملل:** با آغاز نشست سران گروه هفت، فضای دیپلماتیک میان قدرت‌های غربی بار دیگر تحت‌تأثیر تحولات تازه در پرونده ایران و آمریکا قرار گرفت. گزارش خبرگزاری رویترز حاکی از آن است که چهار کشور اروپایی موسوم به ای ۴ شامل بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا پس از توافق احتمالی میان ایران و ایالات متحده برای پایان جنگ، آمادگی خود را برای احیای لغو تحریمی تحریم‌ها علیه تهران اعلام کرده‌اند. این موضع‌گیری در ظاهر نشانه‌ای از انعطاف دیپلماتیک اروپا تلقی می‌شود اما در عمق خود بیانگر تلاش اتحادیه اروپا برای بازتعریف نقش خویش در معماری امنیتی جدید خاورمیانه است؛ معماری‌ای که پس از سال‌ها تنش و درگیری اکنون در حال ورود به مرحله‌ای از بازتنظیم سیاسی است.

در بیانیه مشترک این چهار کشور تأکید شده که در صورت برداشتن گام‌های مشخص از سوی ایران در حوزه برنامه هسته‌ای مسیر کاهش تحریم‌ها می‌تواند فعال شود. هرچند در این بیانیه همچنان ادبیات هشدارآمیز درباره جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تکرار شده اما لحن کلی آن نسبت به سال‌های گذشته کمتر تقابلی و بیشتر مشروط و مذاکره‌محور ارزیابی می‌شود. این تغییر لحن نشانه‌ای از درک جدید اروپا از محدودیت‌های سیاست فشار و پیامدهای آن برای امنیت و اقتصاد جهانی است.

## دیپلماسی

در سطح کلان‌تر، اتحادیه اروپا که در جریان جنگ و تنش‌های اخیر با پیامدهای اقتصادی قابل‌توجهی، به‌ویژه در حوزه انرژی، مواجه شده بود، اکنون تلاش می‌کند از مسیر دیپلماسی، ثبات نسبی را به بازارهای خود بازگرداند. مسئول سیاست خارجی این اتحادیه، کایا کالاس، توافق اخیر را «گامی حیاتی برای ثبات منطقه» توصیف کرده و آن را مرتبط با کاهش بحران انرژی در اروپا دانسته است. این موضع‌نشان می‌دهد که نگاه اروپا به پرونده ایران صرفاً امنیتی یا ایدئولوژیک نیست بلکه به‌شدت با ملاحظات اقتصادی و انرژی گره خورده است؛ موضوعی که در سال‌های اخیر با افزایش وابستگی بازار اروپا به ثبات خاورمیانه، اهمیت بیشتری یافته است.

همچنین آنتونیو کوستا، رئیس شورای اروپا با استقبال از توافق، آمادگی اتحادیه برای مشارکت در تدوین یک چارچوب جامع صلح پایدار در خاورمیانه را اعلام کرده است. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش بروکسل برای ایفای نقش فعال‌تر در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و کاهش وابستگی صرف به سیاست‌های واشنگتن است. در واقع اروپا به دنبال آن است که در دوره پس از بحران از جایگاه یک بازیگر حاشیه‌ای به یک میانجی مؤثر و تعیین‌کننده تبدیل شود. رویترز در تحلیل خود، موضع چهار کشور اروپایی را نشانه‌ای از آمادگی تدریجی اروپا برای همراهی با روند جدید پس از توافق ایران



در پس این تحولات، اختلاف بنیادین میان اروپا و دولت آمریکا در دوره ترامپ همچنان قابل‌مشاهده است. این اختلاف نه صرفاً تاکتیکی بلکه ریشه‌دار و ساختاری است. واشنگتن در بسیاری از مقاطع به سیاست فشار حداکثری و حتی گزینه‌های نظامی به‌عنوان ابزار اصلی مهار ایران نگاه کرده، در حالی که اروپا چنین رویکردی را پررنگ، بی‌ثبات‌کننده و تهدیدی برای امنیت انرژی و اقتصاد خود ارزیابی کرده است. از نگاه اروپا هرگونه تشدید نظامی در خلیج فارس می‌تواند به سرعت بازار انرژی جهانی را دچار شوک کند و پیامدهای آن مستقیماً به اقتصاد شکننده قاره سبز منتقل شود. در مجموع آنچه در حال شکل‌گیری است، نوعی بازآرایی در روابط فرآتلانتیکی و رویکردهای غرب نسبت به ایران است. اروپا به سمت دیپلماسی مشروط و تدریجی حرکت می‌کند، در حالی که آمریکا همچنان میان گزینه‌های سخت‌گیرانه و توافق‌های محدود در نوسان است.

و آمریکا ارزیابی کرده است. این تحلیل بر این فرض استوار است که در صورت اجرای کامل توافق، امکان آغاز مذاکرات گسترده‌تر درباره موضوعات مورد اختلاف از جمله برنامه هسته‌ای، امنیت منطقه‌ای و تحریم‌ها فراهم خواهد شد. در این چارچوب، اروپا به جای تقابل مستقیم به سمت مدیریت مرحله‌ای بحران و استفاده از ابزارهای تشویقی مانند رفع تدریجی تحریم‌ها حرکت می‌کند. از سوی دیگر، نقش کشورهای واسطه نیز در این روند قابل توجه است. گزارش‌ها حاکی از آن است که شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، به‌عنوان یکی از میانجی‌های کلیدی، اعلام کرده که مراسم اعضای رسمی توافق در ژنو برگزار خواهد شد. انتخاب ژنو به‌عنوان یکی از نماندهای دیپلماسی چندجانبه، خود پیام روشنی از تلاش طرف‌ها برای قرار دادن این توافق در چارچوب‌های بین‌المللی و کاهش تنش‌های نمادین دارد.

## خاورمیانه

### سرنش نتانیاهو بابت توافق

در پرونده ایران شکست خوردی

در ادامه واکنش‌ها به تفاهم اعلام‌شده میان تهران و واشنگتن، برخی چهره‌های اپوزیسیون رژیم صهیونیستی با انتقاد از عملکرد کابینه، تحول مذکور را نشانه شکست راهبردی نخست‌وزیر این رژیم توصیف کردند. یائیر لاپید، رئیس اپوزیسیون رژیم صهیونیستی در پیامی گفت که کابینه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم در تحقق اهداف اعلام‌شده خود درباره پرونده ایران ناکام مانده و نتوانسته بر روند مذاکرات و نتیجه نهایی اثرگذار باشد.

به گفته او، عملکرد دیپلماتیک کابینه نتانیاهو در این پرونده با انتقادهای جدی مواجه است. لاپید در ادامه گفت: هیچ شکستی کامل‌تر از شکست دیپلماتیک نتانیاهو در جبهه ایران وجود نداشته است. در همین حال آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ اسبق رژیم صهیونیستی نیز با لحنی تند از توافق میان ایران و آمریکا انتقاد کرد و آن را برخلاف منافع امنیتی این رژیم دانست. او گفت: اگر چنین توافقی در دوره کابینه‌های پیشین امضا می‌شد، نتانیاهو آن را «خیانت» می‌خواند. لیبرمن همچنین تأکید کرد نباید میان پرونده ایران و تحولات لبنان ارتباط عملیاتی برقرار شود. در همین حال ایتمار بن‌گور، وزیر امنیت داخلی و بزالب اسموتریچ، وزیر دارایی، دو وزیر تندرو کابینه اسرائیل، توافق ایران و آمریکا را آماج انتقادات خود قرار دادند.

اسموتریچ دوشنبه ۲۵ خرداد در پستی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت که این «توافق برای اسرائیل بد است» و تأکید کرد که اسرائیل باید به کارزار خود ادامه دهد تا «نظام ایران سرنگون و از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای جلوگیری شود». او همچنین بر ضرورت ادامه «عملیات‌ها» در لبنان و دور کردن حزب‌الله از مرزها تأکید ورزید. بن‌گور نیز اعلام کرد «توافق ترامپ اسرائیل را ملزم نمی‌کند». او تأکید کرد که اسرائیل «تابع ایالات متحده نیست بلکه کشوری مستقل و دارای حاکمیت است». وزیر امنیت ملی اسرائیل افزود: «ما آمریکا را دوست داریم و برای ترامپ احترام قائلیم اما اسرائیل جمهوری موز نیست». بن‌گور همچنین گفت که دولت اسرائیل نباید به کمتر از «خلع‌سلاح حزب‌الله و عدم عقب‌نشینی از مناطقی که در لبنان تصرف کرده است» رضایت دهد.



همواره یکی از نقاط ضعف اصلی چنین توافقی‌هایی بوده است. نکته دوم، اهداف این تفاهم است. آیا هدف اصلی صرفاً توقف درگیری‌های نظامی است یا زمینه‌سازی برای یک توافق جامع‌تر در حوزه‌های هسته‌ای، تحریم‌ها و امنیت منطقه‌ای؟ در حال حاضر به‌نظر می‌رسد بسیاری از موضوعات کلیدی به مرحله دوم مذاکرات موکول شده‌اند. به‌ویژه آنکه مسائل پیچیده‌ای مانند آینده برنامه هسته‌ای ایران و ساختار تحریم‌های آمریکا همچنان بدون چارچوب روشن باقی مانده‌اند.

سومین محور نگرانی، سازوکار جلوگیری از بازگشت بحران است. در شرایطی که بی‌اعتمادی عمیقی میان طرفین وجود دارد هرگونه نقض تعهد می‌تواند به سرعت زمینه‌ساز بازگشت تنش‌ها شود. در این میان نقش بازیگران منطقه‌ای نیز قابل توجه است. اسرائیل به‌عنوان یکی از مخالفان جدی هرگونه توافق با ایران احتمالاً تلاش خواهد کرد از طریق لابی‌گری سیاسی و امنیتی، روند اجرای این تفاهم را تحت‌تأثیر قرار دهد. چنین وضعیتی می‌تواند، ثبات توافق را به‌شدت شکننده کند.

از منظر اقتصادی نیز بازگشایی احتمالی تنگه هرمز می‌تواند اثرات فوری بر بازار جهانی انرژی داشته باشد. کاهش ریسک ژئوپلیتیک معمولاً به کاهش قیمت بیمه حمل‌ونقل و افزایش عرضه منجر می‌شود اما در مقابل، هرگونه بی‌ثباتی در اجرای توافق می‌تواند دوباره هزینه ریسک را افزایش دهد و بازار را وارد چرخه‌ای از نوسان کند. به همین دلیل بازارهای جهانی بیش از هر زمان دیگری به «اطمینان سیاسی» وابسته شده‌اند؛ اطمینانی که در وضعیت کنونی هنوز تثبیت نشده است.

در سطح راهبردی، برخی تحلیل‌ها بر این نکته تأکید دارند که اگرچه آمریکا در این جنگ موفق به تحقق اهداف حداکثری خود از جمله تغییر نظام سیاسی در ایران نشده اما توانسته بخشی از توان نظامی و عملیاتی ایران را تضعیف کند. با این حال این دستاوردهای تاکتیکی به‌معنای پیروزی راهبردی نیست چراکه نتیجه نهایی جنگ همچنان به شکل‌گیری یک وضعیت پایدار سیاسی منجر نشده است. از سوی دیگر، ایران نیز نشان داده که ابزارهای فشار خود به‌ویژه در حوزه تنگه هرمز همچنان فعال و قابل‌انکاست است. همین مسئله باعث شده که موازنه بازدارندگی در منطقه همچنان برقرار بماند حتی اگر سطح درگیری‌ها موقتاً کاهش یافته باشد. در واقع، توافق فعلی بیشتر به مدیریت تنش شباهت دارد تا حل ریشه‌ای آن.

در جمع‌بندی می‌توان گفت آنچه امروز میان ایران و آمریکا شکل گرفته بیش از آنکه یک صلح پایدار باشد یک آتش‌بس پیچیده و چندلایه است که در بهترین حالت می‌تواند، فضای تنفس سیاسی و اقتصادی ایجاد کند. اما بقای آن وابسته به مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که هر یک می‌تواند این تعادل شکننده را برهم بزند.

بنابراین، اگرچه اعضای تفاهم در روزهای آینده می‌تواند به‌عنوان یک موفقیت دیپلماتیک تلقی شود اما آینده آن همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ ابهامی که تعیین می‌کند آیا این توافق سرآغاز یک نظم جدید در روابط ایران و آمریکا خواهد بود یا صرفاً وقفه‌ای کوتاه در یک رقابت ژئوپلیتیک فرسایشی.

## تفاهم یا مدیریت تنش موقت؟

آزمون اصلی ایران و آمریکا از جمعه آغاز می‌شود

امنیت انرژی جهانی است. تنگه هرمز به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان همواره در مرکز تنش‌های ژئوپلیتیک قرار داشته و هرگونه تغییر در وضعیت آن، پیامدهای فوری بر بازار جهانی نفت و گاز خواهد داشت. با این حال باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، اظهارات ترامپ را زیر سؤال برد و نسبت به متفاوت بودن توافق ترامپ با برجام ابراز تردید کرد و گفت: ایده تحمیل راه‌حل‌ها با زور یا بمب ممکن است گاهی جذاب به‌نظر برسد اما وقت آن رسیده که از گذشته درس بگیریم. این موضوع نشان می‌دهد که ایران همچنان یکی از مسائل مهم مورد مناقشه در حزب جمهوری و دموکرات است.

اظهارات اوباما در حالی بیان شد که جسی دی ونس، معاون ترامپ به ایران وعده‌های اقتصادی داد. او در مصاحبه‌ای گفت: ما به ایرانیان می‌گوییم، «شما خوش‌آمدید که به اقتصاد بدون تحریم دسترسی داشته باشید. شما خوش‌آمدید که دوباره به اقتصاد جهانی دعوت شوید اما فقط در صورتی که به تعهداتی که در این توافق می‌دهید، پایبند باشید». این ادعاهای ونس با اقدامات آمریکا و اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران در تناقض است و میزان درستی آن تنها در روند اجرایی شدن تفاهم به آزمون گذاشته می‌شود. نکته مهم اظهارات ونس امضای دیجیتال توافق در روز یک‌شنبه بود که به امضای طرفین رسید و اینکه تهران-واشنگتن به‌صورت مستقیم گفت‌وگو می‌کنند و کانال پشت پرده‌ای دیگر وجود ندارد. این مسئله نشان داد که گفت‌وگوهای مستقیم چه تأثیر مهمی در پیشرفت دیپلماتیک دارد و دیگر منافع کشورهای ثالث در این امر دخیل نیستند.

اما در داخل کشور نیز مقامات رسمی تلاش کرده‌اند این توافق را حاصل «مدیریت هوشمندانه شرایط جنگی» و نتیجه مقاومت و انسجام داخلی معرفی کنند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور نیز با تأکید بر این که پیروزی دیپلماتیک اخیر، سند افتخار ملت ایران در برابر زورگویان جهان است، گفت: تیم مذاکره‌کننده به هیچ‌وجه از چارچوب‌ها و سیاست‌های تعیین‌شده از سوی رهبری عدول نخواهد کرد. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه نیز در گفت‌وگو با هم‌تایان خود از ترکیه، عراق و مصر ضمن قدردانی از تلاش‌های آن‌ها در مسیر صلح، به مسئولیت ایالات متحده آمریکا در قبال اجرای توافق با ایران اشاره و بر لزوم توقف کامل حملات رژیم صهیونیستی علیه لبنان تأکید کرد.

با وجود این اعلام‌های رسمی، به نوشته شورای آتلانتیک نخستین پرسش اساسی این است که این یادداشت تفاهم دقیقاً چه دامنه‌ای از تعهدات را شامل می‌شود و آیا می‌تواند به سازوکار اجرایی پایدار تبدیل شود یا خیر. تجربه توافقی‌های پیشین در روابط ایران و آمریکا نشان داده که نبود سازوکارهای راستی‌آزمایی دقیق و ضمانت‌های اجرایی



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

پیش از یک ماه درگیری نظامی و تنش فشرده در چندین جبهه منطقه‌ای، اعلام تفاهم میان ایران و آمریکا برای پایان جنگ، نقطه عطفی کم‌سابقه در معادلات امنیتی خاورمیانه به‌شمار می‌رود. براساس بیانیه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، دو طرف پس از مذاکراتی چندماهه و پیچیده در قالب گفت‌وگوهای موسوم به «مذاکرات اسلام‌آباد» به یادداشت تفاهمی دست یافته‌اند که به‌موجب آن، عملیات نظامی در تمامی جبهه‌ها از جمله لبنان متوقف و محاصره دریایی علیه ایران نیز لغو شده است. این تحول اگرچه در ظاهر به‌معنای پایان یک درگیری گسترده اما در عمق خود حامل پرسش‌های جدی درباره ماهیت، دوام و پیامدهای این توافق است.

در متن رسمی منتشرشده، تأکید شده که این تفاهم در امتداد «تفوق راهبردی ایران در برابر دشمن آمریکایی-صهیونیستی» و با مدیریت عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری کشور حاصل شده است. همچنین اعلام شده که امضای رسمی آن در روز جمعه انجام خواهد شد و اجرای تعهدات طرفین، مقدمه‌ای برای ورود به مرحله‌ای جدید از مذاکرات تکمیلی خواهد بود. این ساختار دو مرحله‌ای یعنی تفاهم اولیه سپس مذاکرات برای توافق نهایی نشان می‌دهد که آنچه امروز اعلام شده بیش از آنکه یک صلح کامل باشد، چارچوبی برای مدیریت بحران است.

از سوی دیگر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز واکنش‌ها نشان‌دهنده اهمیت این تحول است. کاخ کرملین با اشاره به گفت‌وگوئی تلفنی ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ از ابراز خرسندی مسکو نسبت به توقف درگیری میان ایران و آمریکا خبر داده و تأکید کرده که چنین توافقی می‌تواند از شعله‌ور شدن یک بحران گسترده منطقه‌ای جلوگیری کند. این موضع‌گیری نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ نیز این تفاهم را نه صرفاً یک توافق دوجانبه بلکه عاملی تأثیرگذار بر امنیت جهانی تلقی می‌کنند.

در همین حال دونالد ترامپ از نهایی شدن توافق سخن گفت و در تروئیت‌سوشال مدعی شد، نفتکش‌های تجاری پس از توافق حاصل شده با ایران عبور از تنگه هرمز را آغاز کرده‌اند. ترامپ در مورد آخرین وضعیت تنگه هرمز، نوشت: بیشتر نفتکش‌ها شروع به ترک تنگه هرمز کرده‌اند. آنها از «بزرگراه» جنوبی استفاده می‌کنند که کاملاً امن و مطمئن است. مسیرهای کشتیرانی دیگری نیز در دسترس هستند». این اظهارات علاوه بر جنبه سیاسی داخلی در آمریکا، حامل پیامی روشن درباره بازتعریف نقش واشنگتن در

دیدگاه

## پایان عصر فرهنگ‌های چایی

روایت بهروز صفرزاده از باید و نبایدهای فرهنگ‌نویسی معاصر



به تازگی نشر سده هفتمین فرهنگ تألیفی بهروز صفرزاده با عنوان «گنج‌وازه فارسی» را در اختیار فارسی‌زبانان قرار داده است. گنج‌وازه حاضر در بردارنده ۲۰۰ هزار واژه و اصطلاحی است که در طول بیش از ۱۱ قرن تاریخ زبان فارسی، از قرن چهارم هجری تا امروز، در متون نظم و نثر و در گفتار و نوشتار به‌کار رفته‌اند و می‌روند. بهروز صفرزاده در گفت‌وگو با ایبنا با این توضیح که «گنج‌وازه» یا «تزاروس» نوعی فرهنگ است که در آن واژه‌ها و اصطلاحات براساس دسته‌بندی موضوعی مرتب شده‌اند، نه براساس ترتیب الفبایی درباره ساختار فرهنگ تألیفی خود بیان کرد: «ساختار کتاب بر پایه ۱۱۷۴ مقوله موضوعی شکل گرفته است؛ ابتدا مفاهیم و موضوعات در یک دسته‌بندی کلی به چند فصل تقسیم شده‌اند و سپس دسته‌بندی ریزتر و جزئی‌تر شده و واژه‌ها و اصطلاحات نزدیک به هم یا مترادف هم در کنار یکدیگر به ترتیب الفبا در یک مقوله آورده شده‌اند. در این اثر میان واژه‌های کهن، ادبی، تخصصی و واژگان رایج امروز با برجسب‌گذاری تمایزی قائل شده‌ام و کاربران به راحتی می‌توانند تفاوت‌های کاربردی آن‌ها را مشاهده کنند، مثلاً واژه‌های قدیمی برجسب [قدیمی] و واژه‌های گفتاری و محاوره‌ای برجسب [گفتاری] دارند. همچنین برخی واژه‌ها در هیچ حوزه‌ای مشخصی نمی‌گنجد که این دسته‌ها واژه‌ها را به ناچار در فصل آخر فرهنگ آورده‌ام و عنوانی هم برایشان تعیین کرده‌ام. در این گنج‌وازه کفه واژه‌های امروزی سنگین‌تر از واژه‌های تاریخی و کهن است. حدود ۶۰ درصد واژگان این گنج‌وازه امروزی‌اند و حدود ۴۰ درصدشان تاریخی و کهن‌اند».

### ضرورت دسته‌بندی در فرهنگ‌ها

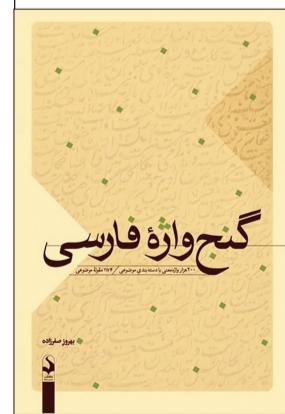
صفرزاده با تأکید بر این که فرهنگ‌های الفبایی همه نیازهای کاربران را برآورده نمی‌کنند، گفت: «کاربران به فرهنگ‌های موضوعی هم نیاز دارند تا واژه‌ها و اصطلاحات را بر اساس موضوع‌شان به صورت دسته‌بندی‌شده در اختیار داشته‌باشند و انگیزه‌ای من از تألیف «گنج‌وازه فارسی» توجه به همین خلا بوده است. مهم‌ترین مزیت گنج‌وازه این است که واژه‌ها و اصطلاحات یک حوزه معنایی را یک‌جا در اختیار کاربران می‌گذارد مثلاً اگر کسی بخواهد بداند در زبان فارسی چه واژه‌ها و اصطلاحاتی برای بیان مفهوم «رنگ» و «رنگ کردن» داریم، باید به گنج‌وازه رجوع کند. عموم فارسی‌دانان و فارسی‌زبانان و فارسی‌نویسان، با هر سطحی از تحصیلات، می‌توانند به فراخور حال خود از این گنج‌وازه بهره ببرند. منابع و مآخذ من برای انتخاب و گردآوری حدود ۲۰۰ هزار واژه و اصطلاح گنجانده شده در این گنج‌وازه به گستردگی زبان فارسی بوده‌اند و از هر جایی که توانستم، چه شفاهی چه کتبی، چه قدیمی چه جدید، واژه‌ها و اصطلاحات را یافته و ثبت کرده‌ام؛ اما مهم‌ترین مآخذ کتبی‌ام «فرهنگ بزرگ سخن» (هشت جلد + یک جلد ذیل) و معیار گزینش واژه‌ها هم کاربردشان در گفتار یا نوشتار فارسی‌زبانان و فارسی‌نویسان بوده‌است».

### شیفتگان نظریه‌پردازی نمی‌توانند فرهنگ‌نویس باشند

او با اذعان بر این که تدوین اثری با این عظمت اصولاً باید کاری گروهی باشد، گفت: «متأسفانه تجربه نشان داده که چنین گروهی در مملکت ما بعید است شکل بگیرد، پس منتظر هیچ کس نمانم و یک‌تنه کار را به انجام رساندم. از آن‌جا که شیفته فرهنگ‌نویسی‌ام و سال‌ها خاک آن را خورده‌ام، مشکل خاصی نداشتم و با شور و علاقه کار را به پایان بردم».

صفرزاده با تأکید بر این که فرهنگ‌نویسی بیش‌تر کاری عملی و آکنده از آزمون و خطاست، افزود: «افراد شیفته نظریه‌پردازی هرگز عملاً فرهنگ‌نویس نخواهند شد. درباره اثر نیز طبقه‌بندی و دسته‌بندی مفاهیم و واژه‌ها در جریان تألیف و به‌تدریج پدید آمد. ترتیب و توالی موضوعات و مقولات هم نظمی منطقی دارد که با مراجعه به کتاب و دقت در آن می‌توان آن را دریافت».

ایسن فرهنگ‌نویس هم‌چنین با اشاره به گسترش فرهنگ‌ها و پایگاه‌های واژگانی دیجیتال عنوان کرد: فرهنگ‌های چایی و کاغذی آخرین سال‌های حیات خود را می‌گذرانند. ما در عصر فرهنگ‌های برخط (آن‌لاین) زندگی می‌کنیم و ایسن «گنج‌وازه فارسی» هم در آینده نه‌چندان دور به‌صورت برخط در اختیار کاربران خواهد بود. صفرزاده با اشاره به این که «گنج‌وازه» را در طول ۲۰ سال گذشته تألیف کرده، گفت: «به‌زودی «فرهنگ‌های فارسی» را نیز در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار می‌دهم».



# پشتوانه و تجربه مصدق

نشست نقد و بررسی کتاب مصدق بدون نفت در عصر یک‌شنبه‌های مجله «بخارا»

### ادعای بدون سند، علمی نیست

رسول رئیس‌جعفری، نویسنده کتاب «مصدق بدون نفت»، با اشاره به این که هر رویداد تاریخی زاینده سه مولفه زمان، مکان و شخصیت است، در شرح چرایی نوشتن این گفت: «درباره زمان و مکان نهضت ملی شدن صنعت نفت بسیار صحبت شده اما برای من سوال بود، کسی که در ۷۰سالگی رهبر مهم‌ترین جنبش تاریخ معاصر ایران شده، چه گذشته‌ای داشته و پیش از این که به رهبری این جنبش برسد، چه تجربه‌هایی را پشت‌سر گذاشته است؟»

رئیس‌جعفری که کتابش را به استاد محمدعلی موحد تقدیم کرده است، با اشاره به ادعاهایی که در سال‌های اخیر درباره مرحوم مصدق مطرح شده، بویایی علمی و شرط آزادی بیان را در طرح ادعاها و نظرات مختلف دانست و تأکید کرد: «تکرار ادعاها دلیلی بر صحت و درستی آن‌ها نیست و هر ادعایی باید به شواهد و مستندات تاریخی متکی و متصل باشد و من در این کتاب تلاش کرده‌ام برخی از این ادعاها را پاسخ دهم». نویسنده «مصدق بدون نفت»، با اشاره به این ادعا که برخی می‌گویند مصدق نسبت به زمانه خود آگاه نبوده است، گفت: «من تلاش کرده‌ام با رجوع به نطق‌ها و نوشته‌های مصدق نشان دهم چنین ادعاهایی متکی به شواهد عینی تاریخی نیست. به‌طور مثال ادعای مخالفت مصدق با راه‌آهن کاملاً گمراه‌کننده و خلاف مستندات تاریخی است. در واقع مخالفت مصدق با راه‌آهن شمال به جنوب بود و این مخالفت هم متکی بر این استدلال فنی و اقتصادی بود که لازم است خط راه‌آهن اصلی کشور بند چابهار در جنوب‌شرق را به شمال‌غرب کشور متصل سازد. نظری که امروز ثابت شده کردیوری بهینه و مورد نیاز برای کشور است. واقعاً در دهه ۱۳۰۰ که بیش از ۹۰ درصد جمعیت کشور بی‌سواد بودند، می‌توان چند نفر را سراغ گرفت که از اهمیت بندر چابهار که

رؤیت است که وقتی از او درباره بهترین دوره مجلس شورای ملی پرسیدند، مصدق دوره‌های اول و دوم را به‌خاطر آزاد بودن انتخابات آن‌ها، بهترین دوره‌های مجلس شورای ملی معرفی می‌کند». آموزگار نمونه دیگری از کنش ضداستبدادی مصدق را در نطق مخالفتش با سلطنت پهلوی معرفی کرد و دغدغه او را نه یک موضوع شخصی، بلکه نگرانی از آتیه و آینده مشروطیت دانست. او با طرح برخی ادعاها که مخالفت مصدق با سلطنت پهلوی را مصدافی از لجاجت‌ورزی او در سیاست می‌دانند، گفت: «کتاب مصدق بدون نفت نشان می‌دهد این دست ادعاها با ارجاع به سیر تکوین زندگی سیاسی و مسئولیت‌های اجرایی مصدق، نادرست بوده و مصدق از همان زمان نگران از دست رفتن دستاوردهای مشروطه و فعالیت‌هایش در جهت مهار استبداد شاه بوده است».



### آزادی؛ بین سطور مصدق بدون نفت است

محمد آموزگار، مدیر انتشارات کتاب آمه «مصدق بدون نفت» را کتابی مختصر اما جامع درباره محمد مصدق معرفی و تأکید کرد اهمیت این کتاب در واکاوی شخصیت مصدق تا پیش از نخست‌وزیری است. آموزگار آگاهی از تجربه سیاسی و اجتماعی مصدق تا پیش از نخست‌وزیری را یکی از مهم‌ترین و البته کمتر پرداخته شده‌ترین بخش‌های زندگی او دانست که آگاهی از آن می‌تواند به چرایی تصمیمات او در دوره نخست‌وزیری کمک کند.

مدیر انتشارات کتاب آمه «آزادی» را دغدغه اصلی و بین سطور کتاب «مصدق بدون نفت» دانست و عنوان داشت: «موضوع آزادی و انتخاب آزاد آن‌قدر برای مصدق اهمیت داشت و در میان سطور این کتاب هم مبرهن و قابل

گزارش: سیمای ایران

# مردی با صدای بم

بهروز رضوی، گوینده، شاعر و بازیگر درگذشت

محبوب تو باشم، فهمیده‌ام که اشتباهی می‌کردم که خوشبختی را جای دیگری جست‌وجو می‌کردم. در مسیر زندگی‌ام، شادی واقعی را پیدا نکردم و... اما ترانه‌های که رضوی روی این آهنگ نوشته است، می‌گوید: «رفتی و بی‌تو دلم پر درده، پاییز قلم سساکت و سرده و...». رضوی، ترانه گمشده را هم برای مرجان گفته که این آهنگ نیز یکی از مشهورترین ترانه‌های پاپ فارسی دهه پنجاه است که چنین مضمونی دارد: «اوتی که می‌خواستی تو غبار گم شد، مرغی شد و پشت حصارا گم شد و...».



امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ

بهروز رضوی، شاعر، بازیگر، گوینده و صداییکه سرشناس ایرانی، روز گذشته در سن ۷۸سالگی درگذشت. رضوی از مدتی قبل به دلیل بیماری در بیمارستانی در کرج بستری بود و سرانجام روز دوشنبه ۲۵ خرداد در همین شهر از دنیا رفت. او متولد ۱۳۲۶ در شهر یزد بود و از سال ۱۳۴۷ فعالیتش در رادیو را به‌عنوان گوینده آغاز کرد. اولین فعالیت گویندگی‌اش در رادیو با برنامه «دفتر آدینه» بود، هرچند قبل از آن نویسنده همین برنامه بود. خودش در خاطره‌ای تعریف کرده است که زمانی به‌عنوان نویسنده برای این برنامه کار می‌کرد اما در یک تابستان، بیشتر گویندگان به مسافرت رفته بودند و او برای پرکردن جای آنها گویندگی را امتحان کرد و... یکی از آن اتفاقات سرنوشت‌ساز که این‌بار باعث شد یک گوینده بزرگ متولد شود. لحن گویندگی و صدای بم و گرمش، باعث شهرت او در رادیو شده و او را به سمت صدایی‌گی کشاند: «دوبله، جزو آن دسته از کارهایی است که هر آدمی به‌راحتی به آن علاقه‌مند می‌شود، حتی اگر از قبل به آن علاقه‌ای نداشته باشد». با این‌وجود و در حالی که رضوی در ۶ دهه فعالیتش، در عرصه‌های مختلف فعال بود اما عشق او به رادیو، باعث شده بود که مخاطبان و علاقه‌مندان بسیاری او را بیشتر به‌عنوان گوینده رادیو بشناسند. او اما از سال ۱۳۵۳ تا ۱۴۰۲ در چندین فیلم و سریال نیز ایفای نقش کرد.

### ترانه‌های ماندگار

بهروز رضوی به خواندن کتاب عادت داشت و مطالعه را اصل اساسی برای این حرفه می‌دانست. به همین دلیل بود که با قصه‌هایی که روایت می‌کرد یا نقش‌هایی که می‌خواند، ارتباطی عمیق و قوی داشت و همین حس به مخاطب هم منتقل می‌شد. شاید همین شیفتگی به ادبیات بود که باعث شد او بتواند ترانه‌هایی به‌یادماندنی را بسراید که در تاریخ موسیقی ایران ماندگار شدند. بهروز رضوی در خاطره موسیقی پاپ ایرانی نیز با دو ترانه جذاب «گمشده» و «کویر دل» که توسط مرجان در سال ۵۶ خوانده شدند، جایگاه ویژه‌ای دارد. موسیقی کویردل هرچند کمی ترانه فرانسوی «بیا به زندگی من» بود که ابتدا دالیدا، خواننده سرشناس فرانسوی آن را اجرا کرد و در سال ۱۹۷۶ توسط آزدا پکان، خواننده سرشناس آن زمان ترکیه هم آن را خواند. اما ترانه رضوی که روی تنظیم آهنگساز فرانسوی اریک آرکانت قرار گرفت، با اجرای مرجان، به یکی از ترانه‌های کالت پاپ ایرانی تبدیل شد. در متن ترانه اصلی که به زبان فرانسه است، می‌گوید: «وارد زندگی من شو، دلم می‌خواهد

## ویژه جام جهانی ۲۰۲۶



# اسب سیاه واقعی

## روز چهارم جام جهانی؛ پیام آلمان به مدعیان جادوی ژاپن و رستگاری گراهام پاتر

جام جهانی ۲۰۲۶ در چهارمین روز خود، بهترین و جذاب‌ترین روز مسابقات تا اینجای رقابت‌ها را رقم زد؛ روزی که چهار مسابقه آن سرشار از گل، هیجان و داستان‌های متفاوت بود. با ادامه مرحله گروهی در آمریکای شمالی، فوتبال‌دوستان در ایالات متحده و مکزیک، شاهد روزی پر حادثه بودند. گل‌ها نیز کم نبودند؛ دست‌کم در سه مسابقه از چهار بازی روز. از مهم‌ترین نکات روز چهارم جام جهانی، بیدار شدن یک غول قدیمی بود. هر چند شاهد ظهور یک مدعی پنهان و چندین داستان جذاب دیگر هم بودیم.

### غول قدیمی

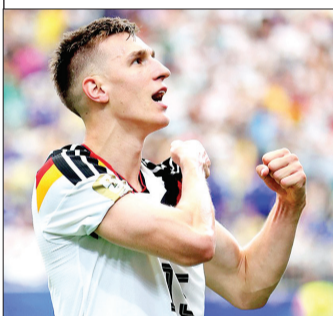
پیش از آغاز مسابقات، شرکت‌های شرط‌بندی، آلمان را هفتمین مدعی قهرمانی جام جهانی می‌دانستند. بی‌بی‌سی اسپورت از ۱۷ کارشناس خود، خواسته بود قهرمان احتمالی مسابقات را پیش‌بینی کنند، و جالب اینکه حتی یک نفر هم نام آلمان را مطرح نکرد. اما آلمان با نتیجه ۷ بر یک، کوراسائو را درهم کوبید. و این کمی عجیب است، نه؟! بالاخره صحبت از آلمان است. درست است که ژرمن‌ها در دو جام جهانی اخیر، در مرحله گروهی حذف شدند، اما این تیم با آن نسخه‌های ناکام تفاوت دارد. فراموش نکنیم که در یورو ۲۰۲۴، اسپانیا تنها تیمی بود که برابر آلمان نتوانست در ۹۰ دقیقه به پیروزی برسد. البته هنوز مشخص نیست این پیروزی پرگل تا چه اندازه معیار مناسبی برای سنجش قدرت واقعی آلمان باشد. آزمون‌های بسیار دشوارتری در ادامه انتظار آنها را می‌کشد و کوراسائو، کشوری با جمعیتی کمتر از بسیاری از شهرهای کوچک اروپا، نمی‌تواند محک نهایی باشد.

### ستاره روز چهارم

نیکو اشولوتریک که در فصل اخیر، یکی از مهره‌های ثابت و موفق باشگاه دورتموند بود، همان فرم خوب را به تیم ملی آلمان نیز منتقل کرد. مدافع آلمان با ضربه سسری زیبا از روی یک ضربه کرنر، گل دوم تیمش را به ثمر رساند و علاوه بر آن، عملکرد دفاعی کم‌نقصی نیز ارائه داد. او تمامی نبردهای هوایی موفق بود، ۱۰۴ بار توپ را لمس کرد و دقت پاس ۸۶ درصدی داشت.

### اسب سیاه جام

انگلیس در فروردین‌ماه امسال و شکست یک بر صفر مقابل ژاپن در ومبلی، کیفیت این تیم را از نزدیک لمس کرده بود. برزیل هم چند ماه قبل‌تر با شکست ۳ بر ۲ برابر ساموایی‌های آبی متوجه قدرت آنها شده بود. بنابراین شاید نباید چندان تعجب کنیم که ژاپن در دیدار برابر هلند نمایشی کاملاً هم‌سطح حریف ارائه داد و در نهایت به تساوی ۲-۲ رسید. حتی در شرایطی که واتارو اندو، کاپیتان تیم، و کانورو میتوما، ستاره برایتون، به دلیل مصدومیت در فهرست تیم حضور نداشتند، ژاپن همچنان کیفیت و روحیه لازم برای اثرگذاری در این جام را نشان داده



است. شاگردان هاجیمه موریاسو دو بار از حریف عقب افتادند اما هر دو بار به بازی بازگشتند و یک امتیاز ارزشمند کسب کردند؛ آن‌هم در مسابقه‌ای که روی کاغذ دشوارترین بازی مرحله گروهی آنها محسوب می‌شد. شاید ژاپن، همان اسب سیاه واقعی این جام باشد؛ تیمی که تماشای ادامه مسابقات در تابستان امسال بسیار جذاب خواهد بود. در مقابل، هلند هنوز نتوانسته تردیدها را از بین ببرد و همچنان این نگرانی وجود دارد که بار دیگر در صف طولانی ناکامی‌هایش در جام جهانی قرار گیرد.

### پیروزی در نبرد دفاع‌ها

اکوادور در مرحله مقدماتی آمریکای جنوبی، تنها پس از آرژانتین قرار گرفت؛ آن‌هم در شرایطی که سه امتیاز نیز به دلیل تخلف قدیمی در زمینه شرایط بازیکنان از این تیم کسر شده بود. راز موفقیت اکوادور، خط دفاعی فوق‌العاده مستحکم آن بود. این تیم در ۱۸ بازی مقدماتی تنها ۵ گل دریافت کرد و با وجود زدن فقط ۱۴ گل، راهی جام جهانی شد. ساحل عاج نیز شرایط مشابهی داشت. این تیم در مرحله مقدماتی ۲۵ گل به ثمر رسانده بود و در جام ملت‌های آفریقا نیز عملکرد هجومی خوبی داشت. با این حال، مهم‌تر از همه، خط دفاعی بی‌نقص آنها بود. تا دقیقه ۹۰ همه چیز حکایت از یک تساوی بدون گل داشت. در واقع هیچ توضیح دیگری برای این وجود نداشت که چگونه مسابقه‌ای به این اندازه پرهیجان و پرموقعیت همچنان بدون گل باقی مانده بود. اکوادور سه بار تیر دروازه را لرزاند و ساحل عاج نیز یک‌بار تیرک را هدف قرار داد و چند فرصت خوب را از دست داد. اما سرانجام لحظه سرنوشت‌ساز فرا رسید؛ ویلفرید سینگو با فضای زیادی از سمت راست پیشروی کرد و توپ را به آدام دیالو رساند تا مهاجم منچستر یونایتد در دقیقه ۹۰ گل پیروزی را به ثمر برساند.

### رستگاری ادامه دارد

وقتی گراهام پاتر در اکتبر سال گذشته جانشین یون دال توماسون در تیم ملی سوئد شد، شرایط این تیم چندان مطلوب نبود با این حال پیروزی‌های متوالی برابر اوکراین و لهستان، بلیت سفر به آمریکای شمالی را برای سوئدی‌ها فراهم کرد. اکنون آنها نمی‌توانستند شروعی بهتر از این در جام جهانی داشته باشند. سوئد از همان دقایق ابتدایی کاملاً بر تونس مسلط بود و در نهایت با نتیجه ۵ بر یک به پیروزی رسید؛ آن‌هم مقابل تیمی که در تمام ۱۰ مسابقه مرحله مقدماتی خود، موفق به ثبت گلین شیت شده بود. زوج هجومی فوق‌العاده سوئد یعنی الکساندر ایساک و ویکتور گیورکشر در چهار گل از پنج گل تیم نقش مستقیم داشتند. پس از دوران نه‌چندان موفق پاتر در جلسی و وستهام، او به شغلی نیاز داشت که اعتبارش را دوباره احیا کند. به نظر می‌رسد فوتبال ملی تا اینجا دقیقاً همان جایی است که پاتر می‌تواند دوباره بدرخشد.



عکس: پریا فتحی

«دین و اقتصاد» با بیان این که مرحوم باستانی پاریزی بر این باور بود که مورخ یک معمار است، گفت: «مورخ یا مواد و مصالحی که در دست دارد، می‌تواند یک بنا را بسازد. در کتاب «مصدق بدون نفت» تلاش من این بود که با وجود مصالح مختلف به یک سوال متفاوت پاسخ دهم که مصدق واجد چه ویژگی خاصی بود؟ به هر حال مصدقی که در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ شمسی به عامل مهم‌ترین اتفاق اقتصادی آن مقطع زمانی و حتی قبل و بعد تبدیل شده است، قطعاً از یک پشتوانه عظیم برخوردار بوده و توسط مردم از خیابان پیدا نشده بود. طرح این موضوع که مصدق ناگهان توانست فضا را در دست بگیرد، چندان منطقی و عقلانی نیست. در واقع طرح این نکات، ساده‌سازی از مسأله است. چنین ادعاهایی در طول یک دهه اخیر اوج گرفته است؛ ادعاهایی هم‌چون نداشتن سررشته در حقوق بین‌الملل و این که مصدق چپ بوده است اما حسن من این بود که در دهه ۳۰ و ۴۰ که افراد، مصدق را می‌شناختند هیچ‌وقت چنین انتقادی را مطرح نمی‌شد که مگر مصدق اقتصاد و حقوق خوانده یا تجربه اجرایی داشته است؟ متأسفانه بسیاری در هنگامه قضاوت، اسیر اسطوره‌سازی یا کوبیدن افراد شده و نمی‌توانند افراد را خوب ببینند».

پرویش شخصیت مصدق دانست و با اشاره به وضعیت شبه‌استعماری ایران در دوره‌های گذشته، بلا تکلیفی را مهم‌ترین آفت این دوران معرفی کرد و با اشاره به تجربه هند در دوره استعمار گفت: «ایران در دوره‌ای که مورد بررسی این کتاب قرار گرفته، نه آن‌چنان مستقل است که از مواب استقلال خود بهره‌بردار باشد. نه مستعمره است که بتواند از مزایای یک مستعمره برخوردار باشد. بلا تکلیفی مانع توسعه ایران در این دوره بود و توصیه من به خوانندگان کتاب این است که این زاویه دید را در هنگام خوانش این کتاب فراموش نکنند».

### پشتوانه عظیم مصدق

فرشاد مومنی در نشست رونمایی کتاب «مصدق بدون نفت» که به مناسبت صدوچهل‌وچهارمین سالروز تولد دکتر محمد مصدق، در موسسه «مطالعات دین و اقتصاد» برگزار شده بود نیز اشاره‌های کوتاه به دستاوردهای اقتصادی دکتر محمد مصدق کرده بود و عنوان داشت: «در حالی که فشارهای تحریمی دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق به مراتب سنگین‌تر از شرایط کنونی بود، ایشان توانست میانگین نرخ تورم را حدود ۸ درصد نگه دارد و بودجه‌ای متوازن ارائه دهد». رسول رئیس جعفری نیز در نشست رونمایی موسسه

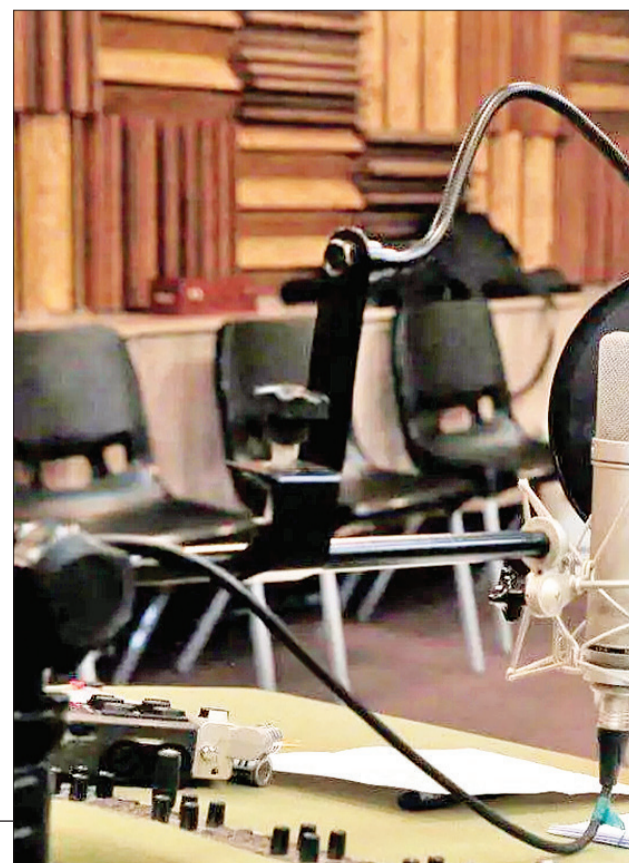
مصدق بارها بر ضرورت توجه به آن تصریح می‌کند، آگاه بوده باشد؟

### باید خود را به نسل‌های قبل برسانیم

در پایان نشست عصر یک‌شنبه‌های مجله «بخارا» فرشاد مومنی، اقتصاددان شناخته شده که هفته گذشته در موسسه «مطالعات دین و اقتصاد» میزبان رونمایی از «مصدق بدون نفت» بود، برون‌رفت کشور از وضعیت فعلی را یکی از دغدغه‌های آحاد جامعه معرفی کرد و لازمه تحقق ایده‌های درخشانی که همه مردم ایران برای کشورشان می‌خواهند و مطالبه می‌کنند را در پرورش و محیا کردن شخصیت خود دانست و گفت: «مصدق ۶ شاه دید، جابه‌جایی دو سلسله را تجربه کرد، سرنوشت دو کودتا را شاهد بود، دو جنگ جهانی را از سر گذراند، انقلاب مشروطه را دید و پیش از آن که رهبری نهضت ملی شدن نفت را برعهده بگیرد، در مسئولیت‌های مختلف کارنامه‌های درخشان خود به‌جا گذاشت. این بدان معنی است که ما هم اگر می‌خواهیم برای کشورمان قدمی برداریم، باید خود را به بلندای شانه و تجربه و شخصیت نسل‌های قبل از خود برسانیم». مومنی کتاب «مصدق بدون نفت» را روایتی از چگونگی

### گوینده‌ای برای تمام فصول

شاید کمتر کسی خبر داشت که بهروز رضوی، شاعر دو ترانه مهم پاپ فارسی است و یا شاید کمتر مخاطبی بازی‌های او در فیلم «سفر به جزایه» و «انجات‌یافتگان» رسول ملاقلی‌پور را به یاد داشته باشد، اما همه، صدای او و گویندگی‌اش، چه در رادیو و چه در برنامه‌های مختلف تلویزیونی را به یاد دارند. در واقع آنچه بیش از هر چیز دیگری، رضوی را در میان عموم جامعه مطرح کرده و به شهرت رساند، صدای خاص و زیبا، بیان حرفه‌ای و گویندگی دقیق‌اش بود. در گویندگی، صدای زیبا و قوی، یک اصل مهم و اساسی است اما همه چیز نیست. گوینده خوب و کامل، ضمن داشتن صدای زیبا باید بیان، دایره واژگان قوی و سواد ادبی و رسانه‌ای بالا نیز داشته باشد؛ مؤلفه‌هایی که می‌تواند در بهروز رضوی به‌عنوان یک گوینده کاملاً حرفه‌ای به خوبی دید. درک گوینده نسبت به آنچه می‌خواند و می‌گوید، به قدری اهمیت دارد که می‌توان گفت تمام قدرت ارتباط صدا با مخاطب در همین نکته اساسی است. در واقع مصداق همان جمله معروف است که می‌گوید: «آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نینشیند» و رضوی در این مورد، یک نمونه عالی و شاید منحصر به فرد در کار خودش بود. بهروز رضوی برای موفقیت در گویندگی، تجربه مفیدی در بازیگری، صدایشگویی و شعر و ادبیات داشت و این مجموعه که با صدای هم و



گرم او همراه شده بود، او را تبدیل به یک چهره خاص در حرفه خودش کرد. او قبل از هر چیز یک گوینده حرفه‌ای بود که صدا و بیانش امضای خاص خودش را داشت. کمتر کسی است که صدای او را از تلویزیون یا رادیو نشنیده باشد و با یک جمله یا چند کلمه آن را تشخیص ندهد.

### مستند ایران و صداهای ماندگار

بهروز رضوی هر چند به‌عنوان یک گوینده حرفه‌ای و قدیمی برای مخاطبان رادیو شناخته شده بود اما مجموعه مستند ایران که از اواخر دهه شصاد به آن پیوست، صدا و نام او را همزمان در ابعاد گسترده‌تری منتشر کرد. مستند ایران که در سری اول توسط یکی دیگر از گویندگان و صدایشگان مطرح ایران، بهرام زند روایت می‌شد، در سری دوم که از سال ۱۳۸۸ آغاز شد، علاوه بر زند توسط رضوی روایت شد. سومین مجموعه از مستند ایران کاملاً توسط بهروز رضوی روایت و باعث شد صدایی که سال‌ها از طریق رادیو در اتموسفرها و قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌ها شنیده می‌شد، در هر خانه و کوی و برزنی شنیده شده و حالا دیگر خیلی‌ها نام این گوینده را می‌دانستند. رضوی از همین دوران بود که، نه به‌عنوان بازیگر، بلکه به‌عنوان گوینده روی صفحه تلویزیون ظاهر شد و ارتباط مستقیم‌تری با مخاطبانش برقرار کرد.

### جنس صدا

نمی‌توان بیان محکم و قوی بهروز رضوی را از صدای هم و گرمش جدا دانست اما این صدای خوش و متفاوت، نقش مهمی در آنچه که امروز در خاطره جمعی ایرانیان باقی مانده، دارد. گویی صدا فراتر از آموختن و آکسپاب است و باید چیزی در وجود و حنجره آدمی باشد. درست است که تمام آدم‌ها می‌توانند با تمرین و ممارست صدای درست و بیانی محکم و تأثیرگذار داشته باشند اما همه نمی‌توانند صدای هم و مخملی داشته باشند. بسیاری از صدایشگان و گویندگان برای رسیدن به صدایی زیبا با تلاش بسیار به صداسازی روی می‌آوردند اما جنس صدای افرادی مانند بهروز رضوی، طبیعی بودن و استعداد ویژه حنجره و قدرت دیافراگم ذاتی‌اش را نشان می‌دهد. صدای رضوی، یک صدای هم بود که به دلیل تنفس و ادای دیافراگمی او تبدیل به یک صدای شش‌دانگ زیبا شده بود که قبل از هر چیز با ذهن و روح مخاطب ارتباط برقرار می‌کرد. صدایی که از مخاطب می‌خواست کاملاً آرام و متمرکز باشد و به او گوش سپارد. صدایی که فقط زیبا نبود، بلکه دارای بعدهای مختلف بود و یک بیان کامل به حساب می‌آمد یا به قول کسی که گفته بود: «صدایی صاحب فرهنگ» داشت. صدایی فراتر از زیبا و شکل‌بندی بودن که صاحب قدرت انتقال و برقراری ارتباط محکم با مخاطبان در ابعاد میلیونی بود. دانش ادبی و مطالعات عمیق او باعث شده بود که بتوان خواندن دشوارترین متن‌ها را به او سپرد. صدای رضوی یک صدا نبود، بلکه قدرتش را از پشتوانه قوی خودش می‌گرفت. شاید به همین دلیل است که او را در زمره هنرمندان چندوجهی و فرهنگ‌مند قرار داده‌اند. خودش در یکی از آخرین سخنانش گفته بود: «همواره به این فکر کردم که کارم را به بهترین نحو انجام دهم، چرا که نه تنها خودم را به‌کار مردم و مدیران می‌دانستم بلکه احساس می‌کنم مدیون افرادی همچون سعدی و حافظ و مولوی هستم، پس باید وسواس و دقت داشته باشم. بنابراین ذره‌ای منیت در صدای من حس نمی‌کنید. در هیچ برنامه‌ای درصدم مطرح کردن خودم نبودم، بلکه تمام تلاشم این بوده که کارم را به بهترین شکل انجام دهم که شاید گاهی هم در نیامده و بیش از آن در توانم نبوده است».

**دیدگاه: یادداشت اقتصادی**

## روز باشکوه

**موج خوش‌بینی چگونه بورس را تکان داد؟**

| <b>نسرین خدادادی</b>   |
|------------------------|
| <div>گروه اقتصاد</div> |
|                        |
|                        |

بورس تهران دیروز یکی از روزهای پویاد ماندنی خود را پشت سر گذاشت. روزی که موج خوش‌بینی نسبت به آینده سیاسی و اقتصادی کشور با قدرت در تالار شیشه‌ای منعکس شد و جریان تقدینگی حقیقی رکوردی تاریخی بر جای گذاشت. بازار سهام که طی هفته‌های اخیر زیر تأثیر کاهش نگرانی‌های سیاسی و افزایش امیدواری‌ها نسبت به گشایش‌های پیش‌رو قرار گرفته بود، دیروز با هجوم گسترده تقاضا روبه‌رو شد؛ به گونه‌ای که نه‌تنها شاخص‌های اصلی بازار، جهش قابل‌توجهی را ثبت کردند بلکه آمار صف‌های خرید، ورود پول حقیقی و قدرت خریداران نیز تصویری روشن از چرخش انتظارات سرمایه‌گذاران ارائه داد. معاملات دوشنبه را می‌توان نقطه‌ای مهم در مسیر جدید بورس تهران دانست؛ روزی که هم رکورد ورود پول حقیقی شکسته شد، هم شاخص کل در آستانه کمال ۵ میلیون واحدی قرار گرفت و هم بازگشایی نمداهای مهم با واکنشی فراتر از انتظار همراه شد. با این حال تداوم این روند به پایداری انتظارات مثبت، کاهش ریسک‌های سیاسی و توان بازار در جذب تقدینگی جدید بستگی دارد. اگر فضای خوش‌بینی فعلی حفظ شود، بورس تهران می‌تواند در روزهای آینده نیز یکی از اصلی‌ترین مقصدهای سرمایه‌گذاران باشد. در پایان معاملات دیروز شاخص کل بورس تهران با افزایش ۱۶۱ هزار و ۵۹۹ واحدی معادل ۳.۲۵ درصد رشد کرد و به سطح ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار و ۴۹۹ واحد رسید. به این ترتیب نامگر اصلی بازار سهام تنها فاصله اندکی تا ورود به کانال تاریخی ۵ میلیون واحدی دارد؛ سطحی که عبور از آن می‌تواند از نظر روانی و تحلیلی برای فعالان بازار اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. شاخص کل هم‌وزن نیز که تصویر دقیق‌تری از وضعیت عمومی نمادهای بازار ارائه می‌دهد با رشد ۳۷ هزار و ۱۸۴ واحدی معادل ۲.۸۶ درصد افزایش یافت و در ارتفاع یک میلیون و ۳۳۶ هزار و ۹۶۴ واحد ایستاد. هم‌زمانی رشد شاخص کل و شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد که صعود دیروز محدود به چند نماد بزرگ نبود و بخش گسترده‌ای از بازار در مسیر افزایشی حرکت کرد. مهم‌ترین اتفاق معاملات دیروز، ثبت رکورد تاریخی ورود پول حقیقی به بازار سهام بود. در پایان دادوستدها بیش از ۸ هزار و ۹۴۱ میلیارد تومان تقدینگی حقیقی وارد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی شد که بالاترین میزان ورود پول حقیقی در تاریخ بورس تهران به‌شمار می‌رود. این عدد نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاران خرد پس از دوره‌ای از احتیاط و انتظار، بار دیگر با قدرت به سمت بازار سهام حرکت کرده‌اند. در نقطه مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج ۴ هزار و ۲۴۰ میلیارد تومان تقدینگی مواجه شدند؛ موضوعی که از جایه‌جایی محسوس سرمایه از ابزارهای کم‌ریسک به سمت دارایی‌های پرریسک‌تر حکایت دارد. برتری خریداران حقیقی در معاملات دیروز تنها به حجم ورود پول محدود نبود. سرانه خرید حقیقی‌ها به ۱۳۶.۹ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش آنها در سطح ۳۶.۵ میلیون تومان قرار گرفت. بر این اساس، قدرت خرید حقیقی‌ها به عدد قابل توجه ۳.۷۵ رسید؛ رقمی که بیانگر برتری مطلق سمت تقاضا و غلبه نگاه صعودی در میان معامله‌گران است.

چنین شکافی میان سرانه خرید و فروش معمولاً زمانی رخ می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از فعالان بازار نسبت به ادامه روند مثبت امیدوار باشند و فروشندگان نیز تمایل کمتری برای عرضه سهام از خود نشان دهند. در کنار رشد عمومی بازار، بازگشایی سهام پتروشیمی نوری و پتروشیمی اروند نیز به یکی از رویدادهای مهم روز تبدیل شد. این دو نماد که به دلیل آثار غیرمنتظیم جنگ برای مدتی متوقف شده بودند دیروز نخستین روز بازگشایی خود را تجربه کردند و برخلاف برخی پیش‌بینی‌ها نه‌تنها با فشار فروش مواجه نشدند بلکه با رشد بیش از ۴۰ درصدی بازگشایی شدند. این بازگشایی خیره‌کننده تأثیر محسوسی بر رشد شاخص کل داشت و نشان داد، فضای مثبت بازار توانسته نگرانی‌های قبلی درباره شرکت‌های آسیب‌دیده از تحولات اخیر را تا حد زیادی تحت‌الشعاع قرار دهد. در ماه‌های گذشته، بخشی از فعالان بازار انتظار داشتند نمادهایی از این دست پس از بازگشایی با افت قیمت روبه‌رو شوند اما معاملات دیروز نشان داد، انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به آینده بازار تغییر محسوسی کرده است. ارزش معاملات خرد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی نیز دیروز به ۱۵ هزار و ۸۲۹ میلیارد تومان رسید و بیش از ۵۳.۲ میلیارد برگه سهم میان معامله‌گران دست‌به‌دست شد. با این حال نکته مهم‌تر در پایان معاملات، حجم تقاضای باقی‌مانده در بازار بود. بیش از ۴۰ هزار و ۹۸۸ میلیارد تومان سفارش خرید در سامانه معاملات ثبت شده بود، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها حدود ۸۰ میلیارد تومان بود. این فاصله بسیار چشمگیر نشان می‌دهد، بخش بزرگی از تقدینگی هنوز موفق به خرید سهام نشده و در صفوف خرید باقی مانده است.

# توسعه

### بررسی تحولات اقتصادی

# گام بزرگ توسعه

## آیا توافق اسلام‌آباد می‌تواند معجزه کند؟

| <b>سعید مشهوری</b>     |
|------------------------|
| <div>گروه اقتصاد</div> |
|                        |
|                        |

همه نگاه‌ها به روز جمعه دوخته شده و انتظار می‌رود، توافقی که شامگاه یک‌شنبه مورد تأیید ایران و آمریکا قرار گرفت در ژنو به امضای مقامات دو کشور برسد. اگر این تفاهم‌نامه امضا شود، پرسش اصلی این است که آیا این توافق می‌تواند از یک رخداد دیپلماتیک فراتر رود و به نقطه آغاز انتخاب‌های تازه برای نظام حکمرانی و اقتصاد ایران تبدیل شود؟ این گزارش تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد.

اقتصاددانان امیدوارند، تفاهم اسلام‌آباد اگر به یک توافق نهایی و پایدار میان ایسران و طرف‌های مؤثر در منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود، می‌تواند نقطه عطفی در مسیر اقتصاد ایران باشد. نه صرفاً به این دلیل که بخشی از فشارهای سیاسی و امنیتی کاهش می‌یابد بلکه از آن جهت که زمینه بازتعریف جایگاه ایران در اقتصاد جهانی را فراهم می‌کند. بسا این حال میان توافق و تحول اقتصادی فاصله‌ای قابل‌توجه وجود دارد. تجربه دو دهه گذشته نشان داده که هیچ توافقی به‌تنهایی قادر نیست، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را حل کند اما می‌تواند شرایط لازم برای آغاز یک دوره جدید از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را فراهم کند. پژوهش‌های اقتصادی نشان می‌دهند که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تحت‌تأثیر سه محدودیت عمده قرار داشته است. تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت دسترسی به نظام مالی جهانی و نااطمینانی گسترده نسبت به آینده روابط خارجی کشور. این سه عامل باعث شده‌اند که سرمایه‌گذاری خارجی به پایین‌ترین سطوح خود برسد، هزینه مبادلات تجاری افزایش یابد، دسترسی بنگاه‌ها به فناوری‌های نوین محدود شود و بخش خصوصی با افق زمانی کوتاه‌مدت فعالیت کند. در چنین شرایطی هرگونه توافق نهایی که به کاهش تنش‌ها و رفع بخشی از محدودیت‌های خارجی بینجامد نخستین اثر خود را در کاهش ریسک ادراک شده اقتصاد ایران نشان خواهد داد. بازارها معمولاً پیش از آنکه آثار واقعی توافقی آشکار شود به انتظارات واکنش نشان می‌دهند. بنابراین در صورت دستیابی به توافق نهایی احتمالاً نخستین نشانه‌ها در ثبت نسبی بازار ارز، کاهش انتظارات تورمی و افزایش تمایل فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری مشاهده خواهد شد. کاهش ریسک سیاسی معمولاً موجب می‌شود، بخشی از سرمایه‌های راکد داخلی فعال شوند و سرمایه‌هایی که طی سال‌های گذشته به بازارهای غیرمولد یا خارج از کشور منتقل شده‌اند، انگیزه بیشتری برای بازگشت پیدا کنند.

اما در این زمینه یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است که آیا موانع پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی واقعاً برطرف خواهد شد؟ با فرض امضای توافق، پاسخ کوتاه اقتصاددانان این است که بخشی از موانع قابل رفع هستند اما همه آنها نه. تحریم‌ها تنها یکی از عوامل جدایی اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی بوده‌اند. حتی در دوره‌هایی که بخشی از تحریم‌ها کاهش یافتند، مشکلاتی مانند ضعف شفافیت مالی، محدودیت‌های بانکی، مقررات پیچیده، فساد اداری و عدم عضویت کامل در برخی

**دیدگاه: تحلیل اقتصادی**

# سقوط دلار

## با اعلام توافق بین ایران و آمریکا، قیمت ارز کاهش یافت

| <b>نسرین خدادادی</b>   |
|------------------------|
| <div>گروه اقتصاد</div> |
|                        |
|                        |

بازار ارز در روزهای اخیر تحت‌تأثیر اخبار مثبت سیاسی و انتشار خبر امضای توافق میان ایران و آمریکا وارد فاز نزولی شده است. قیمت دلار که پیش از این در سطوح بالاتری معامله می‌شد با افزایش خوش‌بینی معامله‌گران نسبت به کاهش تنش‌های سیاسی و احتمال گشایش در روابط خارجی با افت محسوسی مواجه شد. با این حال بررسی رفتار بازار و دیدگاه بخشی از تحلیلگران نشان می‌دهد که کاهش اخیر قیمت‌ها بیش از آنکه ناشی از تغییر بنیادین در متغیرهای اقتصادی باشد، ریشه در انتظارات کوتاه‌مدت و واکنش هیجانی فعالان بازار دارد. به عقیده ناظران، بازار ارز در حال حاضر تحت‌تأثیر خوش‌بینی ناشی از توافق وارد مسیر نزولی شده است اما پایداری این روند به عوامل متعددی وابسته خواهد بود. اگرچه کاهش نرخ دلار در کوتاه‌مدت قابل انتظار است اما تداوم آن در سطوح پایین‌تر، نیازمند تغییرات عمیق‌تر در ساختار اقتصادی و روابط خارجی کشور خواهد بود؛ موضوعی که هنوز نمی‌توان درباره

سازوکارهای مالی بین‌المللی همچنان مانع جذب سرمایه و تجارت گسترده بودند. از این‌رو توافق نهایی می‌تواند، دروازه ورود به اقتصاد جهانی را باز کند اما عبور از این دروازه مستلزم اصلاحات داخلی است. به این ترتیب در سناریوی خوش‌بینانه، توافق نهایی می‌تواند زمینه بازگشت تدریجی بانک‌های ایرانی به شبکه مالی بین‌المللی را فراهم کند. اتصال گسترده‌تر به نظام بانکی جهان، کاهش هزینه نقل‌وانتقال پول، تسهیل صادرات و واردات و دسترسی آسان‌تر به منابع مالی خارجی ازجمله پیامدهای احتمالی چنین وضعیتی خواهد بود. برای اقتصادی که سال‌ها با هزینه‌های سنگین دور زدن محدودیت‌ها فعالیت کرده است این تحول می‌تواند، معادل یک جهش در بهره‌وری باشد. بسیاری از شرکت‌های ایرانی امروز نه به دلیل ضعف تولید بلکه به علت هزینه‌های بالای مبادلات بین‌المللی، قدرت رقابت خود را از دست داده‌اند.

اما بیاباید با فرض اینکه توافق امضا شود به این موضوع فکر کنیم که کدام بخش‌های اقتصاد ایران از توافق تأثیر می‌پذیرند. بخش انرژی احتمالاً نخستین حوزه‌ای است که از توافق نهایی تأثیر می‌پذیرد. ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان است اما برای توسعه این منابع به سرمایه‌گذاری، فناوری و بازارهای صادراتی نیاز دارد. رفع محدودیت‌ها می‌تواند، شرکت‌های بین‌المللی را بار دیگر به پروژه‌های نفت و گاز ایران علاقه‌مند کند. افزایش صادرات نفت نه‌تنها درآمد‌های ارزی دولت را تقویت می‌کند بلکه امکان سرمایه‌گذاری بیشتر در زیرساخت‌ها را نیز فراهم می‌آورد. با این حال موفقیت در این حوزه به سرعت عمل ایران در جذب سرمایه و نیز شرایط بازار جهانی انرژی بستگی خواهد داشت. صنعت و تولید نیز ازجمله بخش‌هایی هستند که می‌توانند از گشایش‌های بین‌المللی سود ببرند. دسترسی به ماشین‌آلات مدرن، فناوری‌های پیشرفته و زنجیره‌های تأمین جهانی می‌تواند، هزینه تولید را کاهش داده و کیفیت محصولات ایرانی را افزایش دهد. بسیاری از صنایع کشور در سال‌های اخیر به دلیل محدودیت واردات تجهیزات و دشواری همکاری با شرکت‌های خارجی از روندهای جهانی عقب مانده‌اند. توافق نهایی می‌تواند، فرصتی برای نوسازی صنعتی ایجاد کند؛ فرصتی که در صورت استفاده صحیح به رشد بهره‌وری و افزایش صادرات غیرنفتی منجر خواهد شد. بازار کار نیز از این تحولات بی‌تأثیر نخواهد ماند. افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی معمولاً به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید می‌انجامد. بخش‌هایی مانند انرژی، پتروشیمی، حمل‌ونقل، گردشگری، فناوری اطلاعات و خدمات مالی می‌توانند، ظرفیت جذب نیروی انسانی گسترده‌ای داشته باشند. البته تأثیر توافق بر اشتغال تدریجی خواهد بود و انتظار کاهش سریع نرخ بیکاری واقع‌بینانه نیست. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که آثار پایدار اشتغال زمانی شکل می‌گیرد که سرمایه‌گذاری مولد و بلندمدت افزایش یابد. یکی دیگر از پیامدهای احتمالی توافق، تغییر نگاه سرمایه‌گذاران خارجی به ایران است. ایران از نظر جمعیت، موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و ظرفیت بازار داخلی دارای مزیت‌های قابل‌توجهی است. با این حال سال‌ها نااطمینانی سیاسی باعث

شده بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی از ورود به این بازار خودداری کنند. توافق نهایی می‌تواند، بخشی از این نگرانی‌ها را کاهش دهد و ایران را دوباره به‌عنوان یک مقصد بالقوه سرمایه‌گذاری مطرح کند. اما سرمایه‌گذاران تنها به وضعیت روابط خارجی نگاه نمی‌کنند؛ آنها کیفیت حکمرانسی اقتصادی، ثبات قوانین، امنیت حقوق مالکیت و امکان انتقال سود را نیز ارزیابی می‌کنند. از منظر نظام حکمرانی شاید مهم‌ترین اثر توافق در تغییر مجموعه انتخاب‌های پیش روی سیاستگذاران باشد. در شرایط تحریم بسیاری از تصمیمات اقتصادی با اولویت مدیریت بحران اتخاذ می‌شوند. اما کاهش فشارهای خارجی می‌تواند، امکان تمرکز بر اصلاحات ساختاری را فراهم کند. دولت و سایر نهادهای تصمیم‌گیر در چنین فضای فرصت بیشتری برای اصلاح نظام بانکی، ساماندهی بودجه، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و بهبود محیط کسب‌وکار خواهند داشت. به بیان دیگر توافق می‌تواند، اقتصاد ایران را از وضعیت مدیریت بقا به سمت مدیریت توسعه سوق دهد. با این حال خطراتی نیز وجود دارد. یکی از مخاطرات شناخته‌شده، بازگشت به الگوی وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی است. اگر افزایش درآمدهای ارزی صرف هزینه‌های جاری شود و به اصلاحات ساختاری منجر نشود، اقتصاد ایران ممکن است چند سال رونق نسبی را تجربه کند اما دوباره در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی به تنهایی ضامن توسعه نیستند. آنچه اهمیت دارد، نحوه مدیریت این منابع است. چنانکه اقتصاددانان توضیح می‌دهند باید توجه داشت که اقتصاد جهانی امروز با اقتصاد دهه‌های گذشته تفاوت دارد. رقابت برای جذب سرمایه شدیدتر شده و کشورها برای ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی، نیازمند محیطی رقابتی و پیش‌بینی‌پذیر هستند. بنابراین حتی در صورت رفع بخش بزرگی از موانع خارجی، ایسران ناگزیر خواهد بود، اصلاحات اقتصادی عمیق‌تری را دنبال کند تا بتواند از فرصت‌های جدید بهره‌برداری کند. توافق نهایی می‌تواند رشد اقتصادی ایران را طی چند سال به سطوح بالاتر از میانگین سال‌های اخیر برسانند، تورم را تا حدی مهار کند و دسترسی کشور به منابع ارزی را بهبود بخشد. اما در این سناریو نیز تحول بنیادین تنها در صورتی رخ خواهد داد که اصلاحات داخلی هم‌زمان با گشایش خارجی پیش برود. در غیر این صورت، بخشی از دستاوردهای توافق به مرور زمان فرسوده خواهد شد. در سناریوی خوش‌بینانه‌تر، توافق نه فقط به کاهش تحریم‌ها بلکه به بازتعریف رابطه ایران با اقتصاد جهانی منجر می‌شود. در چنین وضعیتی، ایران می‌تواند به یک بازیگر مهم در کریدورهای تجاری منطقه، بازار انرژی، حمل‌ونقل بین‌المللی و زنجیره‌های تولید تبدیل شود. موقعیت ژئوپلیتیکی کشور امکان پیوند میان آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس، شبه‌قاره هند و اروپا را فراهم می‌کند و این ظرفیت می‌تواند به مزیت اقتصادی تبدیل شود.

به هر حال تفاهم اسلام‌آباد را می‌توان به پایان یک مسیر بلکه آغاز مجموعه‌ای از انتخاب‌های جدید برای نظام حکمرانی ایران دانست. این تفاهم در صورت تبدیل شدن به توافقی پایدار احتمالاً بخشی از موانع پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی را برطرف خواهد کرد و فرصت‌هایی که‌سابقه برای رشد، سرمایه‌گذاری و توسعه فراهم می‌آورد. اما اینکه این فرصت‌ها به تحول اقتصادی پایدار منجر شوند یا به یک دوره کوتاه‌مدت از بهبود نسبی محدود بمانند بیش از هر چیز به کیفیت تصمیم‌گیری‌های داخلی، میزان آمادگی برای اصلاحات ساختاری و توانایی کشور در ایجاد اعتماد پایدار نزد سرمایه‌گذاران و شرکای اقتصادی بستگی خواهد داشت. آینده اقتصاد ایران در چنین شرایطی نه صرفاً محصول توافق بلکه حاصل نحوه استفاده از فرصت‌هایی خواهد بود که توافق در اختیار کشور قرار می‌دهد.

محدوده‌های بالاتر و نزدیک به ۱۶۵ هزار تومان خواهد بود. به اعتقاد آنها حتی در صورت تداوم روند مذاکرات، عوامل بنیادی اقتصاد ایران اجازه کاهش پایدار و عمیق نرخ ارز را نمی‌دهد. مهم‌ترین استدلال در این زمینه به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران بازمی‌گردد. نیاز مستمر اقتصاد به ارز، روند رشد تقدینگی، کسری‌های مزمن مالی و سایر چالش‌های اقتصادی ازجمله عواملی هستند که در بلندمدت همچنان از نرخ ارز حمایت می‌کنند. به همین دلیل برخی تحلیلگران بر این باورند که کاهش اخیر قیمت دلار را باید بیشتر به‌عنوان یک اصلاح ناشی از تغییر انتظارات تلقی کرد تا آغاز یک روند نزولی بلندمدت. در همین حال توصیه غالب به معامله‌گران هرپیز از تصمیم‌های هیجانی است. هنوز مشخص نیست که توافق موجود تا چه اندازه پایدار خواهد بود و آیا به توافقات گسترده‌تر و عملیاتی منجر می‌شود یا خیر. در نتیجه بخشی از فعالان بازار معتقدند، فروش شتاب‌داره دارایی‌ها در شرایط فعلی می‌تواند با ریسک همراه باشد زیرا در صورت تغییر فضای سیاسی یا بروز موانع جدید در مسیر مذاکرات، امکان بازگشت قیمت‌ها وجود دارد. از سوی دیگر، تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که بازار ارز در نیمه دوم سال معمولاً با افزایش تحکرات قیمتی مواجه می‌شود. هرچند شرایط کنونی تفاوت‌هایی با دوره‌های پیشین دارد اما همچنان این احتمال مطرح است که با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال، متغیرهای اقتصادی بار دیگر نقش پررنگ‌تری در تعیین مسیر نرخ ارز ایفا کنند. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند برای ارزیابی دقیق‌تر آینده بازار ارز باید منتظر روشن‌تر شدن ابعاد توافق، نحوه اجرای آن و تأثیر واقعی آن بر متغیرهای کلان اقتصادی ماند.

# دست‌درازی آقای استاندار!

## تصرف خانه ظل السلطان توسط استانداری اصفهان

**گروه اجتماعی:** نام «مسعود میرزا ظل السلطان» به حافظه تاریخی مردم اصفهان، ملازم با لودر بی‌رحم تخریب میراث صفوی است؛ حاکمی مستبد که کاخ آینه‌خانه، عمارت نمکدان و بخش‌های وسیعی از باغ هفت‌دست و سعادت‌آباد را به توره کشید تا اثری از عظمت پایتخت کهن صفویان باقی نماند. حالا با گذشت بیش از یک قرن از آن ویرانی‌های سیستما تیک، عمارت رکیب‌خانه یا همان «خانه ظل السلطان» بار دیگر به کانون یک مناقشه بزرگ میان افکار عمومی و ساختار سیاسی تبدیل شده است. این بار اما سخن از لودر و کلنگ در میان نیست؛ بلکه یک «تصرف اداری» تحت لوای اضطرار جنگی، دو موزه حیاتی شهر را تعطیل و تالارهای تاریخی را به دفتر کار استاندار تبدیل کرده است.

**غرش موشک در نقش جهان؛ آوار بر سر دولت‌خانه صفوی**  
بحران از ظهر روز ۱۸ اسفندماه سال گذشته آغاز شد. در شرایطی که تجمع مردمی در میدان نقش جهان جریان داشت اصابت موشک به هسته اداری و تاریخی شهر، موجی از انفجار و آسیب را به همراه آورد. این حمله اگرچه تلفات انسانی بر جای نگذاشت اما بنای اصلی استانداری اصفهان را تا مرز تخریب گسترده پیش برد و ترکش‌های آن بر پیکر ۱۱ بنای نفیس تاریخی منطقه فرود آمد. تالار اشرف، کاخ چهل‌ستون، عمارت رکیب‌خانه و موزه هنرهای معاصر همگی در دایره این آسیب‌های ساختاری

جامعه

## چرا بی تفاوتیم؟

### سازندگی بی تفاوتی جامعه به تفاهم‌نامه پایان جنگ ایران و آمریکا را بررسی می‌کند

**فائزه مومنی**  
گروه اجتماعی

با وجود نهایی شدن تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا برای پایان جنگ و اعلام رسمی آن از سوی دو طرف، واکنش افکار عمومی به این تحول مهم سیاسی و امنیتی چندان پررنگ نبوده است. این در حالی است که پایان درگیری‌ها، کاهش تهدیدهای نظامی، رفع محدودیت‌های تجاری و دریایی و چشم‌انداز بهبود نسبی شرایط اقتصادی از جمله پیامدهایی است که می‌تواند مستقیماً بر زندگی شهروندان اثر بگذارد. نشانه‌های اولیه این روند نیز در کاهش قیمت ارز، طلا و سکه قابل مشاهده است. با این حال برخلاف انتظار بسیاری از ناظران، جامعه نه تنها واکنش هیجانی و گسترده‌ای به این توافق نشان نداده بلکه نوعی بی‌تفاوتی و سکوت بر فضای عمومی حاکم است. در این میان تنها برخی جریان‌های سیاسی مخالف توافق، از جمله تندروها و سلطنت‌طلبان، واکنش‌های آشکارتری بروز داده‌اند. اما ریشه این سردی و بی‌حسی اجتماعی چیست؟ چرا جامعه ایران حتی در برابر خبری به اهمیت پایان جنگ نیز واکنشی محدود و محتاطانه از خود نشان می‌دهد؟ برای بررسی این پرسش با امیر دبیری‌مهر، پژوهشگر و مدیرعامل مؤسسه اندیشه و قلم، گفت‌وگو کرده‌ایم.

آیا می‌توانیم شرایط اجتماعی بعد از برجام و این تفاهم‌نامه را با هم مقایسه کنیم؟ و بگوئیم بعد از برجام شور و نشاط زیادی در مردم رخ داد اما بعد از تفاهم‌نامه، جامعه واکنش ویژه‌ای به این اتفاق نشان نداد؟

این تفاهم‌نامه در اصل یک تفاهم برای پایان رسمی جنگ محسوب می‌شود. پس از ۳۹ روز جنگ تمام‌عیار و حدود دو ماه آتش‌بس ناپایدار اکنون دو کشور قرار است روز جمعه این تفاهم‌نامه را در سوئیس امضا کنند. هرچند اصل توافق شب گذشته اعلام شده اما امضای رسمی آن در روز جمعه انجام خواهد شد. مضمون اصلی این تفاهم‌نامه آن است که جنگ پایان یافته و طرفین طی دو ماه آینده وارد مذاکراتی خواهند شد تا درباره موضوعات مورد اختلاف و مسائلی که می‌توان آنها را از علل اصلی جنگ دانست به توافقی جامع‌تر برسند. این موضوع با برجام که یک توافق جامع در حوزه سیاست خارجی، مسائل امنیتی و پرونده هسته‌ای بود، تفاوت اساسی دارد. اگر بخواهیم به لحاظ تحلیلی صحبت کنیم، برجام یک توافق ایجابی بود؛ یعنی قرار بود درهایی را باز کند، پنجره‌هایی را بگشاید و فضای تازه‌ای در کشور ایجاد کند. اما تفاهم اخیر ماهیتی سلبی دارد؛ قرار نیست افق جدیدی را بگشاید بلکه قرار است صرفاً جنگ متوقف شود، موشک و بمب

قرار گرفتند. در پی این حادثه، ساختمان اصلی استانداری به دلیل حجم بالای ویرانی عملاً از چرخه خدمت‌رسانی خارج شد. در شرایطی که افکار عمومی انتظار داشت، مقامات ارشد استان در یک مجتمع اداری جایگزین مستقر شوند یا فوراً روند بازسازی مقرر اصلی را کلید بزنند، سناریوی دیگری در پشت درهای بسته رقم خورد. با چراغ سبز و همکاری همه‌جانبه امیر کریمزاده، مدیرکل غیراصفهان‌های اداره کل میراث فرهنگی استان، گروه‌های فنی تحت‌عنوان «مرمت اضطراری» وارد دو بنای رکیب‌خانه (موزه هنرهای تزئینی) و موزه هنرهای معاصر شدند. هدف این پروژه اما نه بازگشایی موزه برای گردشگران بلکه آماده‌سازی سریع تالارها برای استقرار میز و صندلی‌های مدیریتی استانداری بود.

**بدعت «منت مرمت» و تصرف گنجینه زیرزمینی**

انتشار تصاویر رسمی از افتتاح دفتر کار مهدی جمالی‌نژاد، استاندار اصفهان، در قلب عمارت رکیب‌خانه، موجی از انتقاد کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی را به همراه داشت. پاسخ و توجیه دستگاه‌های دولتی در قبال این اقدام غیرکارشناسی به‌نوعی «عذر بدتر از گناه» تعبیر می‌شود. استانداری و نهاد‌های حامی آن اکنون با انتکا به یک فرار رو به جلو مدعی هستند که اگر تصمیم استاندار برای نقل مکان به این بناها نبود، بودجه و اراده‌ای برای مرمت سریع این دو اثر تاریخی آسیب‌دیده از جنگ وجود نداشت.

این تصرف عدوانی، دو خطای استراتژیک را در خود جای داده است: نخست، هویت‌زدایی از یک بنای ثبت ملی و تبدیل آن به یک فضای پروکراتیک و امنیتی؛ و دوم، خروج دو موزه مرجع از چرخه فرهنگی کلان‌شهر اصفهان که مشخص نیست چه زمانی دوباره به روی عموم گشوده خواهند شد. دغدغه بزرگ‌تر کارشناسان، وضعیت مخزن و گنجینه ارزشمندی است که دقیقاً در زیر ساختمان رکیب‌خانه قرار دارد و با استقرار لایه‌های متکثر اداری و حفاظتی استانداری، امنیت و دسترسی به آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. این بی‌توجهی‌ها در شرایطی رخ می‌دهد که منتقدان پیش از این نیز از دستورات همین مدیریت ارشد برای پیشبرد خط دو متری اصفهان در بافت تاریخی گل‌مند بودند.

**«تماماً دروغ است»**

در مواجهه با این بحران حقوقی و میراثی، مقامات ارشد اصفهان راهبردی سکوت را برگزیده‌اند. پیگیری‌های رسانه‌ای از جمالی‌نژاد (استاندار)، خسروی (معاون استاندار) و مشکاتی (مدیر روابط عمومی استانداری) با عدم پاسخگویی مواجه شده و دفتر علی‌داری، معاون وزیر میراث فرهنگی نیز با سلب مسئولیت از خود، توپ را به زمین اداره کل استان انداخته است. تنها صدای مدافع این طرح، علی محمد فصیحی، مدیر روابط عمومی میراث فرهنگی اصفهان است که با توجیه شرایط «جنگ

جامعه

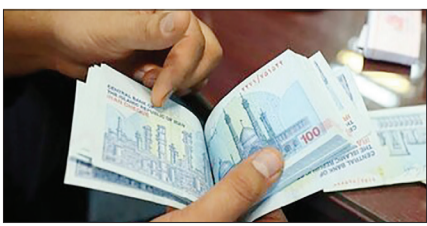
## شکاف میان دستمزدها و هزینه‌های زندگی

### دستمزد یک روز کارگر کمتر از هزینه یک وعده غذای گوشتی

با وجود افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۴۰۵ بررسی قیمت کالاها اساسی نشان می‌دهد که قدرت خرید مزدگیران نه تنها بهبود نیافته بلکه در برخی شاخص‌ها کاهش نیز داشته است. براساس مصوبه شورای عالی کار، دستمزد روزانه کارگران در سال جاری ۵۵۴ هزار تومان تعیین شده؛ رقمی که با قیمت‌های فعلی بازار حتی برای خرید ۲۵۰ گرم گوشت قرمز نیز کافی نیست.

بررسی روند قیمت گوشت قرمز در چهار سال اخیر تصویری روشن از افت قدرت خرید ارائه می‌دهد. در سال ۱۴۰۲ هر کیلوگرم ران گوسفندی ممتاز حدود ۷۰۰ هزار تومان قیمت داشت و دستمزد روزانه کارگران امکان خرید حدود ۲۵۰ گرم گوشت را فراهم می‌کرد. این نسبت در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نیز تقریباً حفظ شد اما بهار ۱۴۰۵ با جهش قیمت گوشت به حدود دو میلیون و ۳۸۰ هزار تومان، قدرت خرید دستمزد روزانه به حدود ۲۳۰ گرم گوشت کاهش یافته است. این در حالی است که تأمین یک وعده غذای گوشتی برای یک خانواده سه نفره دست‌کم به ۲۵۰ گرم گوشت نیاز دارد. به بیان دیگر یک کارگر حداقل بگیر اگر تمام درآمد یک روز کاری خود را صرف خرید گوشت کند، باز هم قادر به تأمین گوشت مورد نیاز یک وعده غذای خانوادگی نخواهد بود؛ هزینه برنج، سبزیجات و سایر اقلام ضروری نیز به این رقم افزوده می‌شود.

فسالان کارگری معتقدند، شکاف میان دستمزدها و هزینه‌های زندگی به سطحی بی‌سابقه رسیده است. «بدالله فرجی» رئیس اسبق شورای اسلامی کار شرکت جنرال استیل می‌گوید، حقوق بازتنه‌نگاران و کارگران با قیمت‌های واقعی بازار هیچ تناسبی ندارد و بسیاری از خانوارهای مزدبگیر در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای معیشتی با مشکل روبه‌رو هستند. افزایش مستمر قیمت مواد غذایی، لبنیات، دارو و سایر کالاها ضروری در ماه‌های اخیر، نگرانی‌ها درباره تشدید فشار معیشتی بر طبقه کارگر را افزایش داده است؛ طبقه‌ای که بیش از هر زمان دیگری، درگیر تأمین هزینه‌های روزمره و حفظ حداقل استانداردهای زندگی شده است.



یافته است. مردم از ایجاد یک آرامش نسبی استقبال می‌کنند زیرا تبعات جنگ را با گوشت و پوست و استخوان خود تجربه کرده‌اند؛ چه در جنگ ۳۹ روزه اخیر، چه در رخدادهای دی‌ماه و چه در بحران‌های پس از آن. پیامدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این حوادث همچنان در جامعه وجود دارد. از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی اخیر نیز بسیار سنگین بوده است. صادقانه بگویم در تمام سال‌های زندگی خود کمتر چنین سطحی از گرانی، بی‌ثباتی و آشفتگی قیمت‌ها را دیده‌ام. بسیاری از این مشکلات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با شرایط جنگی و محاصره دریایی ارتباط داشته است. کمبود دارو و افزایش شدید قیمت آن موضوع کوچکی نیست و آثار آن مستقیماً بر زندگی مردم نمایان شده است. به همین دلیل جامعه در درون خود از پایان جنگ و کاهش تنش استقبال می‌کند اما لزوماً این احساس را به شکل واکنش‌های خیابانی و عمومی بروز نمی‌دهد.

این تفاهم‌نامه البته برای برخی خوشایند نبود که به فضای متشنج این روزها دامن می‌زد... بلکه دقیقاً، یکی از دلایل کمرنگ بودن واکنش‌های عمومی به تحولات اخیر، فضای پرتنش بود که در روزهای منتهی به اعلام تفاهم شکل گرفته بود. در برخی تجمعات و برنامه‌های میدانی، گروه‌هایی حضور داشتند که از ابتدا با آتش‌بس، پایان جنگ و هرگونه تفاهم مخالفت می‌کردند و حتی انتقادهای تند را متوجه دستگاه دیپلماسی و برخی مسئولان کشور کردند. این در حالی بود که نهادهای اصلی کشور بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام ملی تأکید داشتند و نسبت به دامن زدن به اختلافات هشدار می‌دادند. در چنین شرایطی این نگرانی وجود داشت که ورود موافقان و مخالفان توافق به عرصه عمومی به تقابل‌های اجتماعی و تنش‌های خیابانی منجر شود. به نظر من، یکی از نشانه‌های بلوغ و هوشمندی جامعه ایران همین پرهیز از دو قطبی‌سازی و درگیری بود. مردم با وجود استقبال از کاهش تنش‌ها و کوتاه شدن سایه جنگ، ترجیح دادند واکنشی آرام و مسئولانه نشان دهند. بخش قابل‌توجهی از جامعه احساس می‌کند که خواسته اصلی‌اش، یعنی توقف جنگ و بازگشت نسبی آرامش تا حدی محقق شده و ضرورتی برای بروز هیجانات خیابانی وجود ندارد. هرچند نگرانی‌ها همچنان پابرجاست و مدیریت فضای عمومی باید ادامه یابد اما آنچه مشاهده شد، نشان داد اکثریت جامعه بیش از هر چیز خواهان ثبات، آرامش و دوری از تنش هستند. از نگاه من، بخشی از مخالفان تفاهم نیز بیش از آنکه دغدغه امنیت ملی و منافع عمومی داشته باشند، نگران از دست رفتن منافع و موقعیت‌هایی هستند که در شرایط بحرانی برای خود ایجاد کرده‌اند.



متوقف و جامعه از وضعیت جنگی خارج شود. بنابراین جنس این دو مسئله کاملاً متفاوت است. نکته دوم به شرایط اجتماعی و سیاسی پیش از هر یک از این دو توافق بازمی‌گردد. ما باید وضعیت کشور پیش از برجام را با وضعیت کشور پیش از تفاهم‌نامه اخیر مقایسه کنیم. دو سال قبل از برجام، انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد؛ انتخاباتی که با مشارکت گسترده مردم همراه بود و نوعی نشاط سیاسی در کشور ایجاد کرد. پس از ۸ سال دولت احمدی‌نژاد به‌ویژه برای طبقه متوسطی که بعد از وقایع سال ۱۳۸۸ دچار سرخوردگی و ناامیدی شده بود این احساس به‌وجود آمد که می‌تواند از طریق صندوق رأی در سرنوشت سیاسی کشور اثرگذار باشد. روی کار آمدن نامزدی که به گرایش‌های طبقه متوسط و بخش مدرن جامعه نزدیک‌تر بود نوعی امید و تحرک اجتماعی ایجاد کرد. در واقع آن نشاط سیاسی داخلی نیازمند امتدادی در عرصه بین‌المللی بود و برجام دقیقاً چنین نقشی را ایفا کرد. به همین دلیل پس از امضای برجام شاهد استقبال، امیدواری و واکنش مثبت بخش‌های مختلف جامعه بودیم. افزون بر این، برجام در دو سال نخست اجرای خود آثار اقتصادی محسوسی نیز داشت. همان بایگه اجتماعی که از آن حمایت می‌کرد، کاهش تورم به زیر ۱۰ درصد، ثبات نسبی اقتصادی و بهبود برخی شاخص‌های معیشتی را تجربه کرد.

اما جامعه امروز تحت اعتراضات و حوادث دی ماه و بعد جنگ دچار دگرگونی ویژه‌ای شده است... بله، شرایط کاملاً متفاوت است. پیش از آن، جامعه با دو رخداد بسیار سنگین سیاسی و اجتماعی مواجه شده است. نخست، اتفاقاتی که در دی‌ماه رخ داد و من از آن با عنوان وضعیتی شبیه جنگ داخلی یاد می‌کنم. مجموعه‌ای از نیروهای حکومتی، معترضان و گروه‌های مختلف اجتماعی درگیر بحرانی شدند که طی چند روز تلفات سنگینی بر جای گذاشت. تعداد زیادی از جوانان، جان خود را از دست دادند و داغ بزرگی بر جامعه تحمیل شد. هنوز جامعه در شوک آن حوادث و درگیر پرسش‌های بی‌پاسخ درباره چرایی و چگونگی آن اتفاقات بود که همان رخدادها به بهانه‌ای برای آغاز جنگ خارجی تبدیل شد؛ به بیان دیگر، جنگ داخلی به جنگ خارجی پیوند خورد. در ادامه نیز جنگ خارجی آغاز شد و دوباره جامعه با تلفات، خسارت‌ها و فشارهای گسترده مواجه شد. این مسائل برای جامعه‌ای مانند ایران موضوعات کوچکی نیستند. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت که صرف اعلام یک تفاهم‌نامه برای پایان جنگ مردم را به خیابان‌ها بکشاند تا جشن و پایکوبی کنند. البته من معتقدم اکثریت مطلق مردم از کوتاه شدن سایه جنگ خرسند هستند. نمی‌گویم این سایه به‌طور کامل از میان رفته اما بدون تردید کاهش

